

«مردم» و شما

خوانندگان «مردم» می نویسند:

* خواننده «مردم»، ب.ص. نامه مفصلی در ۷ صفحه در تحلیل اوضاع کنونی نوشته که بسیار جالب و عمیق است. منتی بسیاری از مطالب آن طی اسناد اخیر حزب و مقالات «مردم» قبلاً بیان گردیده، گرچه دوست ما، با قلمی شیرین و موشکاف، نکات بسیاری را مورد حلاجی قرار داده است. وی در این نامه نخست دسایس ضد انقلابی علیه نیروهای اصلی انقلابی، چه آن‌ها که مستقیماً از جانب راست حمله می‌کنند، چه آن‌ها که در جامعه، در روپوش مذهب جلوه‌گری می‌کنند و نظریات امام را تحریف می‌نمایند و چه آن‌ها که زیر نقاب مآورای چه، مواضع راستین نیروهای چه و ترقی‌خواه را تحریف و جعلی‌کنند، برمی‌شمرد. وی منجمت می‌نویسد که، با استفاده از ترور سیاسی کوشش می‌شود به نیروهای مومن با انقلاب ضربه زده شود و دشمن اصلی، یعنی امپریالیسم آمریکا و بقایای دارودسته شاه مخلوع، از زیر ضربه انقلابیون خارج گردند. در دنباله نامه «ب.ص.» چنین می‌خوانیم: «محروم کردن انقلاب از متحدین راستین و اسیل آن در خارج و تهمت زدن و افسانه‌باختن و تحریف تاریخ و نشخوار آنچه سیاست‌گران غرب امپریالیستی و مبلین رژیم ساقط شده شاه می‌گفتند، عملی است ضد انقلابی».

نویسنده نامه همچنین با ذکر دلایل و نمونه‌ها از لزوم همبستگی و دوستی با کشورهای سوسیالیستی و تشخیص دشمن عمده ما، در وجود امپریالیسم آمریکا، می‌نویسد: «بقایای ساواک، صحت می‌کند و اهمیت مبارزه طبقه کارگر ایران را، که در صف مقدم انقلاب آماده پاسداری از آن است، خاطر نشان می‌سازد و در این زمینه شکوه و متانت و قدرت مراسم بزرگداشت اول ماه مه را گوشزد می‌نماید. وی در نمونه تجاوز اسرائیل به کشورهای عربی و نبرد قهرمانانه خلق فلسطین، سیمای درخشان دوستان و حامیان خلق‌های عرب و نهضت‌های آزادی‌بخش ملی را در وجود کشورهای سوسیالیستی و نیروهای چه و مترقی منطقه و جهان معرفی می‌کند و به سیاسی‌های مغرضانه‌ای که می‌کوشند در نهایت امر، انقلاب ایران را از متحد طبیعی خویش محروم کنند، پاسخ می‌گوید و می‌پرسد: آیا واقفاً کسی هست که نداند دشمنان و دوستان این بهضت‌ها کیانند؟ در دنباله نامه «ب.ص.»، خطر سرمایه‌داری وابسته و توطئه وی یا سرمایه بین‌المللی گوشزد می‌شود و از کوششی که در جهت جان تازه دمیدن به ساطق بهره‌کشی وابسته، زیر عنوانی مختلف، صورت می‌گیرد، ابراز نگرانی می‌شود.

* دوستی می‌نویسد: «رفقا می‌خواستیم پیشنهادی به‌م راجع به «رنجیر»، ارگان به اصلاح سازمان انقلابی (۱)، که در شماره دوم فروردین ماه خود، تحت عنوان «بخش‌های آشکار امپریالیسم روسیه»، به پیش این شایبه پرداخته بود که گویا از مرزهای شوروی و ایران، به وسیله قطار-هایی که از مرز می‌گذرند، اسلحه به بیرون پرتاب می‌شود! اما روز دوشنبه اول اردیبهشت‌ماه، مطلبی از آیت‌الله شریعتمداری در روزنامه «کیهان» شماره ۱۰۶۸۸، شمل مصاحبه ایشان با خبرنگاران شوروی بود، که در آن بهر آن شایبه اقدام کرده‌اند و آنرا علمی خواندند که ضد انقلاب و کسانی که خواهان جمهوری اسلامی نیستند، دامن می‌زنند» دوست ما هر دو مطلب را از دو روزنامه فتوکپی کرده و برای «مردم» فرستاده است.

با تذکر فراوان از این خواننده، یاد آوری این نکته بی‌مورد نیست که تنها ضد انقلاب و مخالفین استقلال و آزادی خلق‌های ایران، در این نفع‌دارند که توجه از دشمن اصلی خلق‌ها، امپریالیسم آمریکا و پارزمانده های فعال و خطرناک بساط محمدرضای فاجر، بسوی دیگری، مثلا نیروهای چه یا به اصلاح «امپریالیسم روسیه» منحرف نمایند. راست‌های خشن، با چپ‌نهای افراطی، مانند همیشه یک ساز می‌زنند. انقلابی واقعی باید همیشه دشمن اصلی و واقعی را تشخیص دهد؛ هر نوع خلط میجوشی خدمت آشکار به ضد انقلاب است.

رویدادهای ایران

دست‌های ضد انقلاب توطئه می‌چیند

کشف توطئه ترور مجاهدین خلق ایران، که خبر آن در جراید چاپ شد، یکبار دیگر این حقیقت تلخ را تأیید کرد که دست‌های ضد انقلاب هم‌چنان در کار است تا با شکار رزمندگان و مبارزان از گروه‌های مختلف، بذرف نفاق را هر چه وسیع‌تر در سرزمین انقلابی ایران بیاسد. به عقیده ما، نقشه ترور مجاهدین خلق به دست همان گروه‌های ضد انقلابی کشیده شده که در قتل قرنی و مطهری دست‌داشته‌اند و البته این آخرین نقشه و تیرتک آن‌ها برای برپائی برادرکشی در ایران نیست. بی‌تردید نخستین گلوله‌ای که در نقده و کردستان و گنبد شلیک شده، از توله تفنگ آن‌ها بیرون آمده است. لذا بر تمام نیروهای انقلابی است که با هوشتیاری و زمان سنجی، و به‌روسیله ممکن، این نقشه شیطانی را خنثی کنند و برای دستگیری عواملی که در این گونه توطئه‌ها دست دارند و خنثی کردن نقشه‌های شوم آن‌ها از هیچ کمکی به دولت، به‌کمیت‌های انقلاب و پاسداران انقلاب دریغ نکنند.

با شرکت در جبهه متحد خلق از دستاوردهای انقلاب دفاع کنیم

سران جبهه ملی ایران، براساس گزارش‌هایی که در جراید ایران چاپ شده است، تلاش وسیعی را آغاز کرده‌اند تا به‌قول دکتر شایگان، پراکندگی آزادیخواهان رفع شود و جبهه واحد ملی تشکیل گردد. انگیزه تشکیل چنین جبهه‌ای، از زبان سران جبهه ملی، حساسیت شرایط موجود کشور و نیاز مبرم به وحدت و یکپارچگی ذکر شده است.

مهم‌ترین مسأله‌ای که در پیش روی تمام آزادیخواهان و خلق قهرمان ایران قرار دارد، قانون اساسی و مجلس موسسان آینده ایران است که می‌باید سرنوشت نسل‌های آینده ایران را نیز تعیین کند. برخی از سران جبهه ملی و یاران قدیمی دکتر محمد مصدق، با این آینده‌نگری، پیشنهاد جبهه واحد ملی را ارائه داده‌اند. حزب توده ایران، همچنان که در اسناد بلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب اعلام شده، با توجه به مجموع شرایط حاکم بر ایران و وظائف تاریخی که در برابر خلق ایران و احزاب، سازمان‌ها، سران ملی و دمکرات قرار دارد، پیشنهاد تشکیل جبهه متحد خلق را داده و از هر کوششی بر این جهت پشتیبانی خواهد کرد. به عقیده حزب ما، تنها با تشکیل چنین جبهه‌ای، مرکب از تمام نیروهای انقلابی، ملی و دمکراتیک صرفنظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی آن‌ها، می‌توان از دستاوردهای انقلاب دفاع کرد و انقلاب را به پیش برد. حزب توده ایران که پیشنهاد تشکیل جبهه متحد خلق را داده، آماده‌است که برای تشکیل چنین جبهه‌ای به تبادل نظر با تمام نیروهای انقلابی، ملی و دمکراتیک بپردازد.

از احزاب سیاسی کمک بگیرید

طرح تشکیل شوراهای، که قرار است زیر نظر حضرت آیت‌الله طالقانی بپایه شود،

همزمان با اعلام رلوس خود مختاری از سوی آقای دکتر سخایی، وزیر مشاور در امور طرح‌های انقلاب، در روزنامه‌های ایران چاپ شد. یکی از نکات اعلام شده در مضامین آقای دکتر سخایی، این اعلام آمادگی و حسن نیت انقلابی بود که سازمان‌ها، احزاب سیاسی نیز می‌توانند نظرات خود را در این باره بدهند تا مورد رسیدگی قرار بگیرد.

ما ضمن استقبال از این حسن نیت و با تأکید بر این‌که حزب توده ایران، در برنامه خود، نظریات خویش را درباره خودمختاری خلق‌های ایران داده است، یادآور می‌شویم که برای یافتن بهترین و کامل‌ترین طرح خودمختاری و منجاندن آن در قانون اساسی ایران، می‌توان و در حقیقت باید از مجموع نمایندگان احزاب سیاسی شورائی به این منظور تشکیل شود.

بلندگوهای یاوه‌سرا و اعدام القایان

اعدام القایان، جاسوس و عامل اسرائیل و آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی، که به‌حق یکی از انقلابی‌ترین اعدام‌های اخیر بود، با واکنش‌هایی از سوی محافل شناخته شده و رسوای جهان غرب و دولت غاصب اسرائیل روبه‌رو شد. برای هیچ‌یک از افراد وطن‌پرست و آزادیخواه ایران، ذکر دلیل و انگیزه این محافل در اعتراض به اعدام القایان لازم نیست، زیرا هیچ ایرانی وطن‌پرستی‌گوش به این یاوه‌گویی‌ها به‌کار نیست و به‌خوبی می‌داند که نظایر القایان‌ها در این مملکت چه جنایاتی مرتکب شده‌اند و در وابستگی ایران به اسرائیل و آمریکا و دیگر کشورهای متجاوز غرب، چه نقش شومی بازی کرده‌اند و در غارت مردم، کوچک‌ترین فرصت را در سال‌های اخیر، زیر چتر حمایت رژیم شاه - ساواک، از دست نداده‌اند.

چگونه «پیغام امروز» تحریف می‌کند

روزنامه پیغام امروز، در شماره ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۸، خود زیر عنوان «گرامی باد میراث انقلابی خسرو روزبه»، ضمن تجلیل از شخصیت انقلابی روزبه قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران می‌نویسد: «کمیته مرکزی حزب توده، خسرو روزبه را پس از شهادتش، به‌عنوان قهرمان حزبی، به‌عضویت افتخاری کمیته مرکزی درآورد...»

یادآور می‌شویم که روزبه قهرمان، عضو افتخاری کمیته مرکزی حزب توده ایران بوده، بلکه از اعضای اصلی کمیته مرکزی حزب توده ایران بوده است (صرفنظر از آن‌که حزب توده ایران هیچگاه «عضو افتخاری» کمیته مرکزی نداشته و ندارد). ثانیاً کمیته مرکزی حزب توده ایران، روزبه را نه پس از شهادتش، بلکه پس از شنیدن خبر دستگیری‌اش، یعنی در جریان تشکیل بلنوم چهارم کمیته مرکزی در سال ۱۳۴۶، به‌عضویت کمیته مرکزی حزب برگزید و پس از دفاع دلیرانه‌اش در دادگاه درسته نظامی، که منجر به شهادتش گردید، طی اعلامیه‌ای، به‌پیروی از خواست خلق، به‌او عنوان قهرمان ملی ایران را داد.

هدف از تحریف واقعیات اینست که روزبه را از حزب توده ایران جدا کنند و او را در برابر حزب قرار دهند. اما همان‌طور که ما بارها یادآور شده‌ایم، این تلاشی است عبث. روزبه را، که تا آخرین دم حیات، عضویتش را در حزب توده ایران چون پتک بر فرق دشمن می‌کوبید و به‌توده‌ای بودن خود افتخار می‌کرد، نمی‌توان از حزب توده ایران گرفت، نمی‌توان او را در برابر حزب قرار داد.

ضمناً این دومین باری است که «پیغام امروز» در آنچه که مربوط به حزب توده ایران است - به تحریف دست می‌زند. بار اول - در مورد مصاحبه رفیق کیانوری - «پیغام امروز» مدعی شده «اشتباه چاپی» بوده است و «پوزش» خواست و ماه دیگر چیزی نگفتیم. حالا منتظریم ببینیم «پیغام امروز» این بار چه می‌گوید؟

رئیس کل ستاد در برابر نمایندگان جرائد

موضوع سیاست عدم تمهد در رابطه با ارتش امری بسیار بزرگ است. در گذشته ما در پیمان سنتو بودیم و آنچه امروز روشن است واز حالت محرمانه بودن درآمده است، این بود که این پیمان باید جناح جنوب شرقی پیمان ناتو را می‌پوشاند و همه امکاناتی را که امپریالیزم آمریکا در اختیار ارتش ایران گذاشت، بخاطر چنین امری بود و در نتیجه ارتش ما در رژیم سابق آماده بود همچون آلت فعلی بنفع امپریالیزم عمل کند. ما امروز در نظر داریم ارتش را به‌طور متعادل به‌صورت استانی تقسیم کنیم تا هیچ کشور همسایه‌ای خطری را برای خود متصور نداند. ما ارتش را سازمان داده‌ایم و به‌سرعت به‌طرف تغییر بنیادی در ارتش می‌رویم و این برنامه را من با قدرت و سرعت دنبال خواهم کرد. ارتش ما از نظر سازوریک و سلاح بسیار غنی است. ما در سال‌های آتیه بخیرید وسائل احتیاجی نداریم، حتی زیادی هم داریم. نیروی دریائی ما در گذشته داعیه پوشش جزیره دی‌یگو-کارسیا را در اقیانوس هند داشت. و این نشانی بر غنی بودن این نیرو از نظر وسائل و تجهیزات است. ما اکنون به‌هیچ‌وجه چنین هدفی نداریم و فقط از منافع خود و سرحدات خود دفاع خواهیم کرد. نیروی هوائی و زمینی ما هم از نظر وسائل بی‌نیاز است. ما برآورد خواهیم کرد که ارتش ما در آتیه چه نیازمندی‌هایی خواهد داشت. پس از آن اگر اضافه داشتیم، خواهیم فروخت و یا به کشورهای فروشنده واگذار خواهیم کرد.

درمورد انضباط ارتش تیمسار عقیده داشتند که: «اطاعت بی‌چرا» باید برای ارتش باشد، اما نه به‌صورت کور، بلکه باید به‌افراد ارتش آگاهی داد، آن‌ها را با مسائل انقلاب جمهوری اسلامی آشنا کرد، افراد ارتش باید بدانند که برای مردم خدمت می‌کنند و خدمت آن‌ها یک وظیفه ملی است. در ارتش داریم شورائی بوجود می‌آوریم. ممکن‌است آسش شورای باز سازی یا نام دیگری باشد. ما همه مسائل ارتش را از طریق این شورا مورد بررسی قرار خواهیم داد. ما از احزاب و جرائد خواهیم خواست که نمایندگانشان بیایند، با ما همکاری کنند، اظهار نظر نمایند، مقاله بنویسند، پیشنهاداتی مطرح کنند و سرانجام خود ناظر ساختن ارتش باشند. چه پیشنهادی، چه به‌صورت دعوت و چه به‌شکل «داوطلب» این نمایندگان در شورا حضور بهمیرسانند. اگر استقبال شد، چه بهتر، و اگر نشد، به‌رحال ما کارها را به‌صورت شورائی انجام خواهیم داد. نه به‌صورت فردی تصمیم نمی‌گیریم. ولی سرانجام تصمیم‌گیری، بلحن خواهد بود. پس از این بیانات، تیمسار رئیس ستاد کل، به‌پرسشهای خبرنگاران جرائد پاسخ دادند.

در ساعت ۱۵ صبح روز پنجشنبه ۵۸۲۲۲۵، به دعوت ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران، نماینده روزنامه مردم در ستاد ارتش حاضر شد، نمایندگان سایر جرائد پایتخت هم حضور داشتند. در سالن کنفرانس تیمسار سر لشکر رفید، رئیس ستاد کل، علت دعوت را آشنائی با نمایندگان جرائد به‌منظور کمک گرفتن از آن‌ها ذکر کرد تا چهره واقعی ارتش، آن‌طور که هست و آن‌طور که در آتیه خواهد بود، در معرض مردم قرار گیرد. ایشان چنین بیان مطلب کردند که: من پس از چهارسال دوری از محیط ارتش، پس از آن که به‌این سمت انتخاب شدم، به‌بازسازی ارتش روی آوردم. در مورد ارتش در رابطه با انقلاب، من اعتقاد دارم که اکثریت ارتش‌ها، یعنی تنه ارتش، ملی بود و از این‌رو مبارزه و درگیری با مردم را قبول نکرد و در روزهای حساس تاریخی کشور ما، از کشتار مردم تنزد و خود را به‌انقلاب تسلیم کرد، میدانیم که اقلیتی در راس بودند و قصد مخالف داشتند، یعنی قصد سرکوب مردم، ولی این مجال را نیافتند و رسوا شدند. من اعتقاد دارم که ارتش از مردم جدا نیست و لذا باید در اعاده روحیه ارتش و مقامش در میان مردم کوشش شود و شما هم باید در این امر کمک کنید. من برای این موضوع خدمت امام رسیدم و به تفصیل در مورد ارتش با ایشان صحبت کردم و ایشان به‌دنبال آن، فرمان پنجگانه خود را صادر کردند که در اعاده روحیه افراد ارتش، که حالت انفعالی پیدا کرده می‌تواند، موثر واقع شود. در ۲۹ فروردین طی نمایش خیابانی ارتش ما با استقبال گرم مردم روبرو شد. در بازگشت به سربازخانه، روحیه‌ها بهتر بود. آن‌ها محبت مردم را احساس کرده بودند. رئیس ستاد کل چنین ادامه داد: من از روزی که آمدم، همه تلاش این بوده‌است که ارتش را از فردگرائی گذشته جدا کنیم، چون اعتقاد دارم ارتش ما یک ارتش ملی است و باید شایسته چنین نامی باشد. من در جزئیاتی از قبیل واقعه گنبد و نقشه نگران بودم و تلاش داشتیم که گلوله‌ای از سلاح‌های ارتش بسوی مردم شلیک نشود و خوشبختانه موفق شدیم. من اعتقاد دارم که باید از پراکندگی ارتش جلوگیری کرد و کار زاندارم و پلیس را به او محول نکرد. دولت و شورائی انقلاب می‌خواهند که پاسدار انقلاب داشته باشیم. من به دو دلیل تربیت کوتاه مدت چنین سازمانی را قبول کردم. اول به‌خاطر حفظ روحیه انقلابی مردم و دوم آماده بودن مردم برای ضد انقلاب، و به‌لاوه وجود این سازمان به عدم پراکندگی ارتش هم کمک می‌کند. ما کاری می‌کنیم که روزی که قانون اساسی آماده شود، ما هم جای خود را به‌حق پیدا کرده باشیم. موضوع دیگری که تیمسار رئیس ستاد بر آن تکیه داشت واز اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اشاره به موضوع عدم تمهد در زمینه سیاست خارجی است. ایشان گفتند که:

توضیح لازم

در ماه‌های اخیر نوشته‌هایی از جانب برخی ناشران، به‌نام رفیق احسان طبری، چاپ شده، که به‌هیچ‌وجه به‌ایشان مربوط نیست، مانند «یادداشت‌های زندان»، با امضاء مستعار «ا.ا.ا.» که نویسنده آن رفیق اردشیر آوانسیان است، و «مولوی هکل شرق»، که مؤلف آن گویا نوروز امامی است. بدینوسیله، ضمن تصحیح این عدم دقت و اشتباه ناشران، بار دیگر توجه همه ناشران را اولاً به‌دقت بیشتر در این زمینه فرا می‌خوانیم، ثانیاً در آنچه که مربوط به چاپ و یا تجدید چاپ انتشارات حزب توده ایران است، زغایت‌آگاهی مربوط به انتشارات حزب توده ایران راه، تحت عنوان «قابل توجه ناشران»، خواستاریم.

«مردم»

حره ضد انقلاب را در سوء استفاده...

حل مسئله پیش رفت. واقفاً باید به‌درددل این توده زحمتکشی و وضع کنونی بسیار دشوار خانواده‌های آن‌ها توجه کرد. خواست کار، یک خواست حقه و بی‌برورگر است. اما وقتی در میان همین ستمکشیدگان، دسایس بعضی عوامل فتنه انگیز کار را به‌جائی می‌کشاند که از میان آن‌ها، این صدا برمی‌خیزد که «یا شاه خائن یا کار دانه»، هر انقلابی جدیدی و هر زحمتکش آگاهی باید به‌هوش آید و ببیند، چه دستی در کار است که مسئله کار را در گروی مسئله شاه مخلوع قرار می‌دهد؛ صرف‌نظر از صفت خائن، روشن است که در اینجا بعضی‌ها می‌خواهند در داخل بیکاران القاء کنند که تا شاه

مخلوع بود، کار دائم بود و اگر حالا نیست، تقصیر جمهوری است. چنین جریانی توطئه ساواک است، توطئه‌عمل امپریالیست‌ها و سلطنت‌طلبان است. اگر کسی صادقانه طرفدار کارگران باشد و در تحریک ناراضی‌ها تا بدین حد جلو رفته باشد باید بداند که، بدون آن‌که خود بخواهد، در دام افتاده است.

هر جمهوری‌خواه آگاه و هر انقلابی بی‌گیر به‌روشنی می‌بیند که جلوی ضد انقلاب را در این زمینه هم باید گرفت و هر گونه تملق و باری به‌جهت کردن و لایحیل گذاشتن مسئله حاد بیکاری، آبی است به‌آسیاب دشمن، کمکی است به‌دسیسه چنینی ضد انقلاب. کارگران و بیکاران حق دارند با تمام قدرت از خواست‌های حقه خویش دفاع

تصحیح

در شماره ۱۲ مردم کمک دوست گرامی آرمان اشتباه ۱۵۵۵ تومان چاپ شده‌است. ایشان ۱۵۵۵۰ تومان کمک کرده‌اند. از این اشتباه چاپی پوزش می‌طلبیم و از کمک ایشان بار دیگر صمیمانه سپاسگزاریم.



عباس حجری، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران



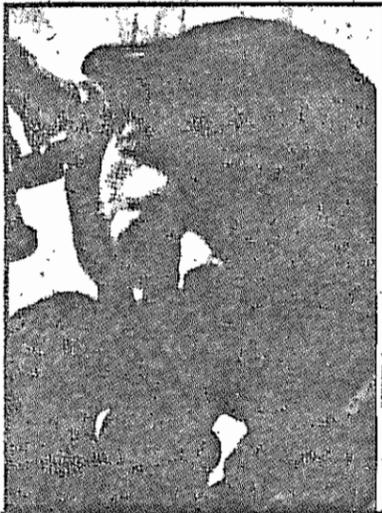
رضا شلتوکی، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران



ابوتراب باقرزاده، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران



آصف رزم‌دیده، عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران



صابر محمدزاده، نماینده کارگران عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران

گزارش مراسم باشکوه تزرگداشت خسرو روزبه...

گورستان از خواب دیرسال برمی‌خیزد. در رستاخیز مردگان، مردی از میان قامت سبز مردها و بوی خوش گل‌ها می‌آید. از نگاهش خورشید و شبنم می‌تراود. برپیشانی‌اش چند شقایق خونین شکفته. مردگان در عبور گام‌هایش جان می‌گیرند. پیکر افسانه‌ای او در این جهان نمی‌کنجد. هزاران چشم‌به‌او می‌نگرند. کارگران گل‌های خونین به‌پایش می‌ریزند. پیرمردی عصازنان می‌آید و پیشانی‌اش را می‌بوسد. پیرزنی بر او کلاب می‌باشد. آنگاه، مردگان و زندگان این بانگ را تا خورشید پرمی‌دهند: درود بر روزبه، افسر حزب توده... خواب نیست. اینجا بهشت‌زهر است. اشک چشمان شلتوکی را پرده می‌کشد. صفرخان سیگارش را زیر پا له می‌کند. این خسرو است. همه جا هست. در ذرات هوا، در برگ‌های سوزنی کاج، در گلبرگ‌های یاس، در باد و آتش. در شبنم و خورشید. این خسرو است که بعد از ۲۲ سال، از میدان تیر حشمتیه می‌آید. می‌آید و مردگان در رستاخیز گام‌هایش بیدار می‌شوند. می‌آید و نسل نوین حزبی را می‌بیند. همان حزب که در لحظه تیرباران، خسرو چنین فریادش کشید: زنده‌باد حزب توده ایران... و نسل نوین حزب، اکنون پاسخ می‌دهد: سردار حزب توده، راحت ادامه دارد! ۲۱ اردیبهشت است. سال ۱۳۵۸. بهار آزادی. ۱۱ صبح. کارگران، زحمتکشان، اعضا و هواداران و دوستان حزب توده ایران، بر مزار قهرمان ملی جمع شده‌اند تا خاطرهای را گرامی دارند. در میان درختان کاج و صنوبر، موج در موج، دریای انسانی در خروش است. صدای رفیق حجری به گوش می‌رسد، این هم‌رزم زندان کشیده و شکنجه دیده روزبه، از سوی کمیته مرکزی حزب، درباره زندگی و پیکار روزبه سخن می‌گوید: «دشمن ضعف خود را در برابر این مظهر نبرد، با وجود صدها سرباز و سربزه، پنهان می‌داشت. به کمک عصا به‌راه افتاد. صدای گام او در سکوت سپیده، صدای مردمی بود که او را وجدان بیدار خود می‌دانستند...»



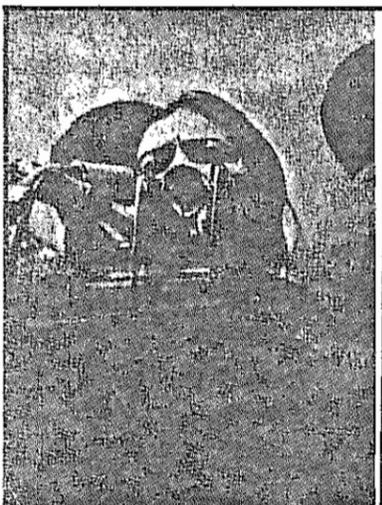
ابوعلی، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق



صلاح‌الدین ناوفا زاده، نماینده حزب دموکرات کردستان ایران



ژاله نوتاش، نماینده دانش‌آموزان



فاطمه ایردی، نماینده زنان

جمعیت مردم فشرده‌تر می‌شود. در دست‌ها عکس‌های روزبه است، استوار چون کوه ایستاده و با آن چشم‌های درخشان به‌آینده چشم دوخته است. برگ‌گوش، هم‌اکنون، هنوز دقیقه‌ای از آغاز مراسم نگذشته، کوهی از گل برپا ایستاده. صف چنان فشرده است که از فاصلای دور، راه عبور نیست. موج‌های گل درمی‌رسد. دست به دست، از فراز سرها عبور داده می‌شود و بر گور قهرمان ملی، کوه گل را انبوه‌تر می‌کند. زندگی زیباست زندگی آتشگهی دیرنده پا برجاست. این صدای رفیق باقرزاده است. آرش را می‌خواند. آرش کسرائی را، که به آرش حزب، به خسرو روزبه تقدیم شده است، می‌خواند. و خسرو روزبه، با تمامی قامت افسانه‌ایش آنجا حاضر است. اکنون صدای رفیق صابر محمدزاده به گوش می‌رسد. پیام کارگران را می‌خواند: «درود بی‌پایان ما کارگران ایران به خسرو روزبه، مردی که مرد بود و مردانه زیست و مردانه شهید شد. سلام گرم طبقه کارگر آگاه و قهرمان ایران به خاطره تابناک رفیق فراموش نشدنی ما خسرو روزبه، رفیقی که درد آشنا بود و زندگی خود را وقف آزادی و استقلال و سعادت مردم کرد.»

این صدای رفیق: «مقاصد اجتماعی ما همه از منبع بشردوستی و خدمت به مردم آب می‌خورد، ما می‌خواهیم زنان بامردان در تمام شئون، حقوق مساوی داشته و دوشادوش مردان به‌خاطر عظمت کشور بکوشند...» زنی جمعیت را می‌شکافت. دامنی میخک سرخ دارد. در کنار عکس‌های روزبه، یک‌یک میخک سرخی می‌نشاند. خوب نگاه کنید: دست‌هایش از پینه کار زینت گرفته. زن می‌گذرد و آنک صدها عکس رفیق روزبه، بسا میخکی که هدیه کارگران است. پیام بعدی را دانشجویان می‌فرستند. رفیق شهبازی می‌گوید: «رژیم پهلوی فکر می‌کرد با کشتن او به‌زندگی اسطوره‌ای‌اش خاتمه می‌دهد...» و بانگ مردم: روزبه قهرمان، راحت ادامه دارد... اینان که فریاد می‌زنند، ادامه راه خسروند. امتداد زندگی اویند. این جوان، آن پیرمرد، آن دختر، آن که عکس خسرو را در دست دارد. کنار عکس، خسرو را به چوبه اعدام بسته‌اند. از پیکرش خون می‌ریزد و باز روزبه از این خون متولد می‌شود. این چهره ابدی اوست که فراز سر جمعیت، به دژخیمان پوزخند می‌زند. رفیق نماینده دانشجویان ادامه می‌دهد: «دشمنان کوشیدند روزبه را از حزش و یارانش جدا کنند، ولی جمعیت امروز نشان می‌دهد که باران وی به‌راه او، ارانی‌ها و کامبخش‌ها وفادارند. ما امیدواریم در پرتو رهنمودهای حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، کارگران بتوانند جامعه‌ای نوین بسازند...»

لحظه‌ای بعد محمد زهری پشت میکروفون است. شعری می‌خواند به‌یاد روزبه، و آنکه صلاح‌الدین ناوفا زاده، پیام حزب دمکرات کردستان ایران را می‌خواند: «حزب دمکرات کردستان ایران همواره یاد روزبه را گرامی داشته و او را نه‌تنها به‌عنوان قهرمان ملی ایران، بلکه یکی از قهرمانان جنبش کارگری جهان می‌شناسد.» این سخنان را، این حقیقت را که روزبه از مرزهای ملی گذشته و در صف اول قهرمانان جنبش جهانی کارگری و کمونیستی قرار گرفته، پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق تأیید می‌کند: «توای شهید جاوید! در کنار شهدای جنبش انقلابی جهان و شهدای نهضت مقاومت ضد فاشیستی اروپا همچون نویک‌ها، همراه قربانیان ارتجاع و امپریالیسم در عراق رفقا فهدوسلام‌عادل، در کنار رفیق شهید عبدانی‌لقامحجوب دبیرکل حزب کمونیست سودان و فرج‌الله‌الحلو کمونیست نامدار لبنان...» رفیق عراقی ادامه می‌دهد: «درود به‌توای شهید بسزرگ و قهرمان! درود به‌همه شهدای حزب توده برادر، سیامک‌ها، مشیری‌ها، وکیلی‌ها، حکمت‌جوها، وارطان‌ها، تیزابی‌ها، جانجانی‌ها! سلام به‌همه شهدای جنبش ملی و مذهبی ایران، ابراهیمی‌ها، قاضی‌ها، شریعتی‌ها، رضائی‌ها، جزئی‌ها و مطهری‌ها...» جمعیت به‌تلاطم می‌آید. نام شهدا، تابناک بر قلب آسمان می‌درخشد. از کنار نام بزرگ روزبه، پلاکات‌هایی می‌گذرد. این تصویر شهدای حزب است. این تیزابی است، آن حکمت جو، آن پشت، کنار آن مرد کوچک شوشتری است، آن دبیری، برفراز بوته گل سرخ، آری، این وارطان است. خوب نگاه کن! در دل جمعیت جانجانیان را می‌بینی، سیامک هم هست، وکیلی هم... این صف خونین، همراه تاریخ خونین مبارزات کارگری ایران پیش می‌آید. ژاله نوتاش پیام دانش‌آموزان را قرائت می‌کند. وقتی از لحظه آتش می‌گوید، لحظه‌ای که خود روزبه به سربازان جوخه اعدام «آتش» فرمان شلیک داد، نگاه می‌کند. اشک در چشمان

رفقا شلتوکی و قهرمانی، که نزدیک من ایستاده‌اند، پرده می‌کشد. آنکه بی‌لحظه‌ای تردید لبخند می‌زنند. روزبه با هزاران چشم بر آنها خیره شده است. وقتی نماینده دانش‌آموزان در پیام خود فریاد می‌کشد: زنده‌باد حزب توده ایران، حاضرین با کف زنده‌های شدید و ممتد به‌او پاسخ می‌گویند. نوبت به رفیق آصف رزم‌دیده می‌رسد که به‌قطعه‌شعری، تحت‌عنوان «بر مزار خسرو روزبه»، از شاعر با قریحه «ا. ع. دریا» می‌خواند. شاعر در تقدیم‌نامه خود گفته‌است: «مدتها بود شعر نمی‌گفتم. اما این هدیه ناچیزی است از من به مردی که به‌نظرم واقعا تجسم وجدان مردم بود.» آنجا که ظلم و فاجعه بیداد می‌کند تو روزبه! تجسم وجدان مردمی آخرین قسمت، مراسم پیاده‌روی تا مزار شهدای انقلاب است. در لحظه‌ای، خیابان پهناور را جمعیت فرومی‌پوشاند. صدها عکس روزبه و دیگر شهدای حزب حرکت داده می‌شود و صدها پلاکات به‌روزبه درود می‌فرستد و ادامه راهش را اعلام می‌دارد. جمعیت حرکت می‌کند. شعارها مثل موج جمعیت را درمی‌نوردد: درود بر روزبه قهرمان... حزب توده ایران، دشمن ستمکاران... ییش بسوی جبهه متحد خلق! جبهه اصلی نبرد جبهه ضد امپریالیستی است! زنده باد حزب تود ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران! درود بر امام خمینی، رهبر انقلاب ایران! از پیشنهاد رهبری انقلاب درمور تشکیل شوراهای شهر پشتیبان می‌کنیم! جاودان‌باد خاطره تابناک خسرو روزبه قهرمان ملی و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران! روزبه قهرمان، راحت ادامه‌دارد... حزب توده پیروز است... درود بر کمیته مرکزی حزب ما، بقیه در صفحه

گروه کشورهای غیر متعهد و مبارزه علیه امپریالیسم

پس از جنگ جهانی دوم، که در نتیجه پیروزی بر فاشیسم و ارتجاع جهانی، در تناسف نیروها در عرصه جهان، بفتح نیروهای صلح و استقلال و دمکراسی تغییر ماهوی پدید آمد، سیستم مستعمرات امپریالیسم متلاشی گردید و کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین با مبارزاتی پیگیر و سرسختانه، یکی پس از دیگری سلطه امپریالیسم را برانداختند و در کسب استقلال ملی پیروز شدند. امپریالیسم جهانی که دیگر قادر نبود با شیوه‌های کهنه استعماری کشورهای نو استقلال را زیر سلطه سیاسی و اقتصادی و نظامی خود نگاهدارد، برای رسیدن به اهداف توسعه طلبانه و استثمارگرانه خود به شیوه‌های تازه‌ای متوسل شد و تلاش نمود از راه ایجاد پیمان‌های نظامی و سیاسی و اقتصادی در مناطق مختلف جهان و جلب کشورهای نو استقلال به این پیمان‌ها، سیاست نواستعماری خویش را بر این کشورها تحمیل کند و این کشورها را از لحاظ سیاسی و اقتصادی و نظامی به خود وابسته کند.

کودتای خائنه ۲۸ مرداد امپریالیسم امریکا و مزدوران آن علیه دولت ملی دکتر مصدق، لغو قانون ملی شدن نفت و ورود ایران به پیمان نظامی ستو، که از نخستین اقدامات رژیم دست‌نشانده شاه مخلوع و دولت کودتائی زاهدی بود، نمونه بارز تحمیل سیاست نواستعماری امپریالیسم امریکا بر کشور ما بود.

رهبران ملی کشورهای نواستقلال، که متوجه خطر این سیاست امپریالیستی علیه استقلال ملی خود گردیدند، به منظور مقاومت جمعی، به مقیاس جهانی، در برابر امپریالیسم و حفظ و استحکام استقلال سیاسی و پایان بخشیدن به وابستگی اقتصادی خود به دول و انحصارات امپریالیستی، به تشکیل جنبش کشورهای غیر متعهد اقدام نمودند. مبتکرین تشکیل گروه کشورهای غیر متعهد که از رهبران ملی برجسته کشورهای نواستقلال بودند، خطوط اصلی سیاست، جنبش کشورهای غیر متعهد را مبتنی بر مقاومت و مبارزه جمعی این گروه از کشورها در برابر توسعه طلبی و تجاوز سیاسی

اعلام خطر از صنایع ملی

احتمالاً بیانگر سیاستی در جناحی از دولت کنونی است. مردم ایران چند هفته‌ای است که سخت از گفته‌های وزیر اقتصاد و سپس معاون نخست‌وزیر و سخنگوی «وقت» دولت موقت به حیرت افتاده‌اند، زیرا ادعا های آنان درباره «غیر اقتصادی بودن» و «ضرر دادن» و «غیر متداول بودن» صنایع فولاد و ذوب‌آهن اصفهان، همه را به یاد مخالفین صنایع مادر و تحکیم اقتصاد سالم و ملی و به یاد دعاوی طرفداران «صنایع» مونتاز و وابسته‌کنندگان همه چرخ‌های کشور به واردات اساسی‌ترین مواد مورد نیاز از کشورهای امپریالیستی می‌اندازد. این سخنان چنان با واقعات در تضاد بود و بقدری با ماهیت و منافع انقلاب بزرگ ایران متناقض بود که عده‌ای را سردرگم کرد، عده‌ای را به اعتراض واداشت عده‌ای را ناچار به توضیح و راهمائی کرد و البته عده‌ای هم - از جانبداران حکومت مخلوع - سخت خوشحال شدند. توضیحات مفصل و روشن‌کننده‌ای که از جانب «شورای کارکنان مرکزی شرکت ملی ذوب آهن» انتشار یافت، و با رقم و مدرک و سند، ادعای ضرر دادن و غیرمتداول بودن را رد کرد، در بسیاری از جراید و منجمله در «مردم» (شماره ۹) منتشر شد و صاحب‌نظران، که به درستی نطفه‌های

خطر را حس می‌کردند، قلم به دست گرفتند نظیر آقای مهدی بهشتی‌پور، که از مدافعان پر سابقه صنایع ملی و مادر پولاد در ایران است، مقالات مفصل و تحقیقی انتشار دادند. همه این‌ها نشان بیداری و آگاهی بود، معلوم شد که در یکی از حساس‌ترین مسائل، که کسب استقلال اقتصادی و رفاهی از وابستگی به اقتصاد مونتاز است، افکار عمومی و میهن‌پرستان بی‌تفاوت نیستند و به‌فورت عکس‌العمل کرد از یک دستاورد بزرگ و از یک آرزوی ملی دفاع می‌کنند و برای قطع تمام‌رشته‌های نواستعمار و وابستگی می‌کوشند.

در چنین شرایطی، جای شگفتی نیست اگر تجدید مطلع از جانت آقای نخست‌وزیر، که علاوه بر جهت تخطئه ذوب‌آهن و غیر اقتصادی جلوه‌دادن آن بود، لاقول حیرت‌انگیز تلقی شود. در زمانی که دولتی پدنیال انقلاب ضد امپریالیستی به‌روی کار آمده، انتظار عمومی آنست که راه استقلال اقتصادی و توسعه سالم و متکی به‌خود اقتصادی در پیش گرفته شود و از بیراهه‌های که نواستعمار گریش پای کشورهای در حال رشد می‌گذارد، هشیارانه اجتناب گردد.

برای امپریالیست‌ها چه بهتر آن‌که کشورهای نظیر ما همیشه نیازمند آنها باقی بمانند و صنایع مادر در آن‌ها ایجاد نشود. مگر نه آنست که از نیمه اول قرن گذشته، در زمان عباس‌میرزا و در نیمه دوم قرن، به‌هنگام امین‌الضرب مانع ایجاد چنین پایه‌هایی شدند؟ مگر نه آنست که انواع مستشاران و متخصصان و وزراء و سرفرای آن‌ها از امریکا و انگلستان و آلمان و غیره، در امر ایجاد ذوب‌آهن سال‌های متمادی کارشکنی کردند و همچنین بهانه‌ها را بارها و بارها تکرار کردند؟

چه اصراری است و چه چیزی پشت‌پرده است که می‌خواهند واقعات را در گروگه جلوه دهند؟ آیا ناآگاهی و عدم توجه به ارقام و بیلان‌ها و برنامه‌ها می‌تواند تئابه استدلال با امثال انصاری‌ها و مجیدی‌ها و ازهاردها را توجیه کند؟ چرا سخنی از سه میلیارد تومان ضرر می‌کنند، در حالی که به‌نوشته شورای نامبرده، ۳۳۷ میلیون تومان بابت اصل و بهره سرمایه در گردش، به‌بانک ملی برگشت داده شده و ۵۱ میلیون تومان مالیات حقوق به‌وزارت دارائی پرداخت شده و در مقابل ۱۷ میلیون تومان کسری داشته است؟ مگر در همه‌جای دنیا چنین صنایع عظیمی، تا هنگامی که به‌سطح معینی از رشد و درجه مطلوبی از گذرش نرسند، وضع چگونه است؟ و مگر میهن‌دوستان می‌توانند از اصل عده ایجاد صنایع مادر و به‌کار گماشتن ده‌ها هزار کارگر و ایجاد اینهمه تاسیسات معدنی و حمل و نقل و ساختمانی جنبی چشم‌پوشی کنند؟ در کنار ذوب‌آهن ایران، درست به‌خاطر آن‌که از وابستگی امپریالیستی برکنار و صنعتی بود بواقع مادر و اصل، ده‌ها معدن کشف و استخراج شد و شبکه راه آهن به‌نسبت ۲۵ درصد گسترش یافت، راه‌های شوسه و پل‌ها و شهرک‌ها و مساکن ساخته شد و مراکز متعدد آموزشی برای تربیت مهندسان و تکنیسین‌های ایرانی به‌منظور ایجاد کادر ملی و بی‌نیازی از متخصص خارجی تاسیس گردید. همه اینها، به‌رغم هزاران تاسیه و هزاران مانی که دستگاه جبار پهلوی ایجاد می‌کرد و به‌رغم قانسه، خلع‌الساعه‌ای که به‌سود رضائی‌ها و

فاسوس بزرگ ما آنست که چرا به‌جای

دادگاه‌های انقلابی یکی از...

خود را در تاملین آینده یک ایران آزاد و مستقل و آباد انجام دهند و شمال‌های حیل‌گر و پلنگ‌های تیز دندان را به‌سزای یک هزارم از جنایاتی که مرتکب شده‌اند، برسانند، دشمنان انقلاب و سرمداران امپریالیسم و صهیونیسم زوزه سر می‌دهند که: ایها الناس چه نشتاید که توحش قرون وسطایی ایران را فرا گرفته است. کارترها و موشه دایان‌ها، این نمایندگان سیا و موساد، که با همکاری برده‌وار همین مفسدین فی‌الارض، تضمین کننده قدرت جهانی مفسدین و فاسد و دستگاه سلطنتی سرپا آلوده درخون او بودند؛ این‌ها که تا آخرین لحظه که هنوز امیدوار به نجات سلطنت ننگین قرون وسطایی بودند و نعره بر می‌کشیدند که دما از شاه و از رژیم ایران پشتیبانی خواهیم کرد، اینک که پای‌های سلطه‌پلید خود را فرو ریخته‌اند و دستیاران خود را در برابر عدل انقلابی مشاهده می‌کنند، بر سر و سینه می‌کوبند و گاه به‌نام حقوق بشر و زمانی به‌نام آزادی و انسانیت، که خود آن‌ها در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین زیر پا له کرده‌اند و می‌کنند، جهان را بروغوا می‌کنند و دادگاه‌های انقلابی را تخطئه می‌نمایند، تا این چرخ مقدس را از کار ببندازند.

این بار اولی نیست که انقلاب‌های اصیل در معرض تهمت و افتزای دشمنان داخلی و خارجی انقلاب قرار می‌گیرد.

آن‌ها خوب می‌دانند چه ضربه سنگینی خورده‌اند و مامم خوب می‌دانیم، و این منادیان «حقوق بشر» و این درخواست کنندگان بی‌عاطفه و درنده‌ی «عاطفه» و ترجم و گشت «رام خوب می‌شناسیم. آیا لازم است بعد از آنچه اقتضاح و رسوایی بار دیگر گرم‌های کثیفی را که در لجنزار سلطنت پهلوی امکان موجودیت می‌یافتند، بار دیگر بخوانندگان معسرفی کنیم؟ آن‌ها ایران را به‌کنجگاه سراسری تبدیل کردند، یک نسل تمام را به‌سوی ورطه‌ی فساد و تباهی کشانیدند، کشوری را تاراج و ویران کردند و نابکارانه به‌دست تاراج بردند. هر کدام از آن‌ها که اینک در برابر دادگاه عدل انقلابی قرار می‌گیرند بهمان قدر که در زمان قدرت جبار و خونخوار بودند، خود را پست و حقیر نشان می‌دهند و با فریاد می‌کنند و خود را مانند کرم‌های لجنزار بزر پای داوران می‌افکنند و با عجز و التماس ترجم و گشت طلب می‌کنند؛ چون چرخ عدالت که به حرکت درمی‌آید، یکی از این مایه‌های فساد و کثافت و انحطاط روحی و اخلاقی است که به‌دست مجازات سپرده می‌شود.

خیر آقایان! ما از تاریخ گذشته با چیزها آموخته‌ایم. تاریخ مشروطیت اینک در جلوه روی ما است. در آن وقت فئودالیزم قبیله‌ای و نماینده‌اشرافیت لیبرالی، همانطور که اینک شما می‌خواهید، عمل کرد. آن‌ها به‌قول «داوودبراون»، سر دست فراماسون سالی ایرانی، با کرم و پخشایی و بزرگواری نسبت به گناهکاران عمل کردند و ریشه‌های فساد را به‌جای بویا قی گداختند و از همین ریشه‌های زهر آگین بود که سرانجام درخت سلطنت ننگین و خون‌آشام پهلوی در ایران سرکشید تا ایران و ایرانی را بر دگرگی بکشاند.

شما خوب می‌دانید و مامم خوب می‌دانیم که پایه سلطنت پهلوی - پهلوی نوعی - ندر اواخر دهه دوم این قرن بلکه در همان دهه اول این قرن، و به‌علت همین گدشت از گناه گناهکاران، به‌تدریج استوار شد و اسارت و پنجاه و شش ساله مردم ایران نتیجه نامیون همان «عفو گناهکاران» است. ما نمی‌خواهیم و نباید اجازه دهیم که به‌نام «ترحم نسبت به گناهکاران»، زمینه اسارت مردم میهن‌ها و شکست انقلاب بزرگ ما فراهم شود. ما هرگونه ترحمی نسبت به‌این سیاهکاران و این عاملین گوش بفرمان شما را پتکی می‌دانیم که بر فرق انقلاب بزرگ ما فرو می‌آید. و برعکس هر مهرامی که از دست جهانه‌نصواران امپریالیست گرفته شده، به‌همان اندازه زمینه اعاده اوضاع گذشته سست می‌شود. اما در عین حال این زوزه‌های نابکارانه برای ما تعیین ندارد. شما باید بکوشید تا مهره‌های بازیهای سیاسی آینده خود را به‌ر نحو که شده، از زیر ضربه خارج کنید. تمجیب و حیرت ما از کسان و عواملی است که در داخل کشور ما، بی‌توجه به‌رسمهای تاریخ و برخلاف اسلام واقعی، و گاه به‌نام اخلاق و انسانیت، و گاه به‌نام «سنن اسلامی» و فضیلت عفو و بخشایش، دانسته یا ندانسته ولی عملاً در همین راه گام بر می‌دارند. اینها با دل‌نازکی و دل‌نرمی و ابراز دلسوزی برای سیاهکاران می‌خواهند انقلاب ایران را در نیمه‌راه متوقف سازند و این کار را هم به‌نام «پیروی از سنت اسلامی عفو و گدشت» انجام می‌دهند.

و اقتصادی امپریالیسم جهانی و در درجه اول امپریالیسم امریکا به‌ریزی نمودند. امروز در گروه کشورهای غیر متعهد، اکثریت کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین متشکل شده‌اند، که در عرصه جهانی به‌نیروی چشمگیری تبدیل گشته و در سیاست جهانی نقش مؤثری ایفاء می‌کنند. گروه کشورهای غیر متعهد به‌منظور تدوین برنامه مشترک عمل و هماهنگی خطمی و اقدامات خود در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و مسائل بین‌المللی، تاکنون چند کنفرانس برگزار نموده و در قطنامه‌ها و مصوبات این کنفرانس‌ها سیاست دول و انحصارات امپریالیستی را نسبت به کشورهای مستقل ملسی محکوم کرده‌اند.

در مصوبات گروه کشورهای غیر متعهد به‌تفصیل تفرقه افکنانه رهبری مائوئیستی پکن نیز توجه شده است، که همواره تلاش کرده و می‌کند تا در میان این کشورها ففاق و پراکندگی ایجاد نماید و این کشورها را از راه مبارزه بر علیه دشمن اصلی استقلال سیاسی و اقتصادی آن‌ها، یعنی امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی امپریالیسم امریکا، منحرف سازد. تر «اپر قدرت‌ها» و در یک سطح قراردادن دول امپریالیستی با کشورهای سوسیالیستی و یکان وانمود کردن سیاست آن‌ها نسبت به کشورهای غیر متعهد که ابتکار آن از امپریالیسم امریکاست و از جانب رهبری پکن اشاعه داده می‌شود، هدف دور کردن کشورهای نو استقلال را از متحد طبیعی‌شان، یعنی کشورهای سوسیالیستی، و توجیه سیاست نواستعماری امپریالیسم را نسبت به گروه کشورهای غیر متعهد دنبال می‌کند. اما گروه کشورهای غیر متعهد به‌این خطمی تفرقه‌افکنانه رهبران پکن واقفند و آن‌را محکوم می‌کنند.

بدین ترتیب خود اندیشه و عمل تشکیل و همبستگی گروه کشورهای غیر متعهد واکنشی است در برابر تلاش‌های دول امپریالیستی، و در درجه اول امپریالیسم امریکا، برای تحمیل سیاست نواستعماری به کشورهای مستقل و ملی، و مقاومت و مبارزه هم‌آهنگ و جمعی این کشورها علیه امپریالیسم جهانی.

به‌چنین گروه و به‌چنین سیاستی است که دولت جمهوری اسلامی ایران می‌پیوندد، و باید هرچه زودتر بیبویند و بکوشد که با اصلیت، قاطمیت و پیگیری، هم هدفهای ضد امپریالیستی انقلاب ایران را در جمع کشورهای غیر متعهد پیش ببرد و هم مواضع و اهداف ضد امپریالیستی گروه کشورهای غیر متعهد را تقویت کند.

قرارداد دوجانبه نظامی...

مخلوع، دولت ایران با دولت امریکا رشته قراردادهایی در مورد مستشاران و کارشناسان نظامی امریکا بسته، که طبق آن‌ها، ماموران پنتاگون عملاً اداره تمام امور ارتش ایران را در اختیار گرفتند، فسخ این قراردادها نه‌احتیاج به وکیل مدافع دارد و نه‌دعوی حقوقی. چرا این‌گونه قراردادها ملفی نشده‌اند؟

سوم این‌که، بنا به اظهارات وزیر خارجه، شیوه‌عمل نظام گدشته چنان بوده که این‌گونه مسائل فاش نشده. بنابراین شیوه نظام جدید، دولت جمهوری اسلامی ایران، باید چنان نباشد، باید افشاگر عملیات ضد ملی نظام گدشته باشد و بنابراین باید تمام قرارداد های نظامی را که با دولت و یا انحصارات سلطنتی امپریالیستی امضا شده، فسخ کند، تا افکار عمومی کشور از درجه و دست خیانت نظام گدشته، نسبت به‌حیاتی-ترین مصالح کشور، مطلع گردد. این اقدامی است انقلابی که ضربه سنگینی به بازمانده‌های نیروهای ضد انقلابی وارد خواهد ساخت و بنابراین باید انجام گیرد. از همه مهم‌تر - و این موضوعی گرمی است - آقای وزیر خارجه نامی از قرارداد دوجانبه نظامی، که به‌سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸) بین دولت شاه خائن و دولت امریکانقداد یافته، ببرده است. چرا؟

آقای دکتر یزدی به‌درستی اظهار داشته است که ایران از پیمان ستو خارج شده، زیرا که این پیمان «ارتش مارا به‌صورت یک زائنده در رابطه با ارتش‌های خارجی قرار می‌دهد و مانع می‌شود که ارتش ما مستقل و ملی باشد».

این سخن بی‌کم و کاست نسبت به‌قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا نیز صدق می‌کند. قرارداد دوجانبه نیز ارتش مارا به‌صورت یک زائنده ارتش امریکا درمی‌آورد. ولی دولت نه‌فقط الفای آن را اعلام نکرده، بلکه وزیر خارجه در اظهاراتی که درباره قرارداد های نظامی نموده، حتی اسم این قرارداد اسارت‌بخش را بر زبان نیاورده است. ما بنام مصالح عالی کشور و منافع حیاتی مردم ایران، بار دیگر مصراانه خواستاریم که متن این قرارداد، که به امریکا «حق» گسیل ارتش به‌ایران می‌دهد، منتشر گردد. باید از دیپلوماسی سری که همیشه و در همه‌جا وسیله انجام عملیاتی بر ضد منافع و مصالح خلق بوده و هست، اکیدا پرهیز کرد.

و اگر ما می‌خواهیم که ارتش ما مستقل و ملی باشد، و اگر به‌طور کلی می‌خواهیم که اصولا سیاست دولت ایران ملسی و برخوردار از استقلال باشد، این قرارداد، مانند خروج از ستو، باید بلادرنگ لغو شود.

به پخش هر چه وسیع‌تر «مردم» کمک کنید

کمک به‌توزیع و پخش هر چه وسیع‌تر روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی و مترقی است. از کلیه دوستان، هواداران و داوطلبان که برای پیشبرد این هدف، در هر نقطه از تهران یا هر یک از شهرها و روستاها، امکاناتی دارند، تقاضا داریم با دفتر مرکزی ما از مثنی درست حفظ و تحکیم استقلال ملی در زمینه اقتصادی، کوتاه کردن دست انحصارات امپریالیستی، ایجاد صنایع مادر و رشته‌های تعیین کننده تربیت کادری متخصص ایرانی، رشد منظم و سالم اقتصاد بر شالوده صنایع سنگین، که میهن ما امکان ایجاد آن‌را بفرآوانی دارد، هستیم. دفاع از صنایع فولاد ایران جزء جدانشدنی است. دست و جیب‌گویی نیازها و

بیرشد و وابسته اهواز و بانک شهریارش وضع می‌شد، به‌دست آمده است. خوشبختانه مردم ایران به‌وشند و به‌فورت صدای زنگ خطر را شنیدند. آن‌ها از مجتمعی که تمام مراحل تولید را داراست و در سطح پیشرفته‌ترین واحدهای ممتاز است دفاع کردند و صلاح کشور را در تقویت و گسترش آن دانستند.

پرفسور مکرری، سفیر تازه ایران در شوروی، که قبل از سفر، با رهبر انقلاب، امام خمینی، دیدار نموده، در میاجه اخیر خود ضرورت توسعه مجتمع ذوب‌آهن اصفهان را از ۵۵۰ هزار تن فعلی تا ۸ میلیون تن خاطر نشان ساخته و درباره ادامه مذاکرات در این جهت با دولت شوروی و ادامه و تعمیق همکاری‌های نمربخش در این زمینه سخن رانده است.

تحصن کارگران بتون آرمه

گروهی از کارگران شرکت بتون آرمه، که از کار کنار گذاشته شدهاند، در دفتر شرکت تحصن اختیار کردند. نمایندگان کارگران متحصن برای ایجاد شرایطی که بازگشت کارگران اخراجی به سر کار را امکانپذیر کند، با مسئولان شرکت سرگرم مذاکره اند. یکی از کارگران اظهار داشت که: «شرکت بتون آرمه از چند ماه پیش، بدون عذر موجه و بی آنکه با ما تصفیه حساب کند، جوابمان کرده است. شرکت در آن موقع مدعی بود که به سبب انقلاب، کارهای ساختمانی خوابیده و وضع مالی شرکت بهم ریخته است، اما حالا که امور ساختمانی دوباره رونق گرفته، این بهانه را دیگر چگونه می توان عنوان کرد؟»

دعوت از کارکنان شرکت های ساختمانی

کارکنان شرکت های ساختمانی تهران و حومه، برای انتخاب هیات مدیره و تصویب اساسنامه خود، ساعت ۳ بهدوازظهر پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه، تشکیل جلسه می دهند. اساسنامه کارکنان شرکت های ساختمانی توسط هیات مؤسس تهیه شده است. هیات مؤسس محل اجتماع را خیابان لاله زار، چهارراه کنت، پاساژ صدری (طبقه دوم) اعلام کرده است.

شورای کارکنان کارخانه چیت سازی تهران اداره کارخانه را به عهده گرفته است

در کارخانه چیت سازی تهران، حدود ۲۰۰۰ کارگر کار می کنند. این رقم قبل از اعتصاب و تحصن بزرگ کارگران در اردیبهشت ماه ۱۳۵۵، بالغ بر سه هزار نفر بود که در جریان اعتصاب، هزار نفر از کارگران، به واسطه سر باز زدن از سیردن تعهد مبنی بر خودداری از ادامه مبارزه، اخراج شدند.

پس از پیروزی قیام بهمن ماه، کمیته ای مشتمل بر ۴۰ کارگر، که از جانب همه کارگران انتخاب شده بودند، جهت رسیدگی به وضع کارگران و کارخانه تشکیل شد. کمیته مذکور در نخستین مراحل بررسی خود متوجه شد که نام ۲۵۰ نفر در لیست حقوق بگیران کارخانه وجود دارد که کسی آن ها را نمی شناسد و معلوم نبود که چه کسانی تحت این عناوین، طی سال ها، از بودجه کارخانه حقوق های گراف می گرفته اند. مجموعی میلی که در سال به این اشخاص پرداخت می شده، بالغ بر چهارده میلیون تومان بوده، که اگر به توامی بین کارکنان واقعی کارخانه تقسیم شود، بهر یک ماهانه ۴۶۶۰ تومان می رسد و این گوشه ای از فساد و غارتگری عمال رژیم سابق را نشان می دهد. کمیته به تهیه فهرستی از عمال ساواک و جاسوسان کارخانه پرداخت تا نسبت به اخراج آن ها اقدام شود.

به دنبال تشکیل شورای کارگران در کارخانه چیت سازی قائم شهر (شاهی سابق)، کارگران این کارخانه نیز تصمیم گرفتند، شورای کارخانه خود را به وجود آورند. بدین منظور از میان ۴۰ نماینده فوق ۱۵ نفر را برای شورا انتخاب کردند، که از میان آن ها ۴ نفر به عنوان اعضای اصلی شورا، همراه با یک نماینده از کارمندان و نیز معاون سازمان کترش مالکیت صنعتی، انتخاب شدند.

اعضای شورا، مدیریت کارخانه را به عهده گرفتند. شورا از بدو فعالیت، تصفیه محیط کارخانه را از عمال ساواک و رژیم سابق آغاز کرد. سرهنگ خواجهروری، رئیس کل انتظامات کارخانه، دستگیر و تحویل کمیته امام داده شد. عمده ای دیگر از عمال ساواک، که در مقام های مسئول و مدیریت کارخانه لانه کرده بودند، اخراج شدند. هم اکنون کلیه امور کارخانه، اعم از امور تولید و فروش و حسابداری را، شورا اداره می کند. شورا برای یاری به امر انقلاب، از کارگران خواسته است که تولید را ۵۰ درصد افزایش دهند. کارگران مصمم اند با کار و کوشش منظم خود و اداره صحیح کارخانه، زیر نظر مدیریت شورای مذکور، نشان دهند که کارگران و زحمتکشان، برخلاف تصور برخی از مقامات دولتی، کاملاً توانایی اداره مؤسسات تولیدی خود را دارند و بهتر از هر کسی می توانند به امر بنیان گذاری یک اقتصاد سالم و مولد یاری رسانند.

اقدام برای تأسیس سندیکای نقاشان ساختمان

کارگران نقاش ساختمان، به عنوان نخستین قدم عملی در تشکیل سندیکای خود، تصمیم گرفتند پیش نویس اساسنامه سندیکا را تهیه و بین کارگران توزیع کنند. این تصمیم در جلسه پنجشنبه گذشته کارگران نقاشی، که در محل خانه کارگر تشکیل گردیده، گرفته شد. در این جلسه، صد ها کارگر نقاش شرکت داشتند و تأکید کردند که محتوی اساسنامه سندیکا باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد، از این رو مطالعه سطر سطر آن توسط



کارگران الزام آور است. جلسه بعدی کارگران، به پنجشنبه آینده موکول شد.

خواست کارگران سازنده سد لار

صد ها کارگر شرکت ایتالیایی «امپرجیولوتا»، به عنوان اعتراض به جلوگیری از ادامه کار خود از طرف مسئولان شرکت، در دفتر شرکت متحصن شدند. این شرکت سازنده سد لار است و در حدود ۲۰۰۰ کارگر دارد، که بیش از نیمی از آن ها هندی و پاکستانی هستند. اخیراً به توصیه وزارت کار در مورد خاتمه کار خارجی ها در ایران، تعدادی از کارگران پاکستانی و هندی شرکت کنار گذاشته شده اند. یکی از کارگران متحصن، خواست ۴۰۰ همکار متحصن خود را این طور شرح داد:

«سه ماه زمستان هوا برای ادامه کار ساختمان سد مناسب نبود، به همین جهت کارگاه عملاً تعطیل شد. قرار شد در ۱۵ فروردین کار ساختمان از سر گرفته شود، اما وقتی در موعد مقرر به شرکت مراجعه کردیم، نمایندگان کارفرما به ما گفتند: «دیگر به وجودتان احتیاجی نیست». ما گفتیم جز کار، توقع دیگری نداریم و این توقع بیهی است، اما آن ها با لجباعت دست رد به سینه ما زدند، پس از مراجعه به وزارت کار، نماینده ای مأمور رسیدگی به خواست هایمان شد، او پس از رسیدگی اعلام کرد که خواست ها، کاملاً حقه و قانونی است و کارفرما را مکلف به پذیرفتن این خواست ها کرد، اما کارفرما همچنان لجباعت بخرج داد و از سیردن کار به ما خودداری کرد. برای ما راهی جز مبارزه باقی نماند. تحصن ما در جهت این مبارزه است که به ما تحمیل شده.»

این کارگر متعرض تأکید کرد: «مگر دولت دستور نداده است که هیچ شرکت و کارخانه ای حق ندارد کارگران خود را اخراج کند؟ دولت نباید تنها به حرف قناعت کند، پشتیبانی عملی از ما کارگران هم لازم است.»

اعتصاب کارکنان شرکت امریکائی کداک

کارکنان شرکت کداک با خواست نظارت در امور شرکت، به کارگرفتن ایرانی ها به جای کارکنان خارجی و کاهش فاصله دستمزدها، دست به اعتصاب زدند. کارکنان اعتصابی، که ۱۳۵ نفرند، خواست های خود را در قطعه نامه ای گنجانده و در اختیار کارفرمای امریکائی خود قرار دادند.

اخبار دهقانی

مالکان بزرگ منطقه طالش مسلح می شوند

طبق اطلاع واصله چند تن از مالکان بزرگ منطقه طالش (در خطه سراسر)، که از فتودال های سابق اند، و با رژیم سرنگون شده پهلوی روابط نزدیک داشته اند، پس از انقلاب از کار دهقانان در زمین های خودشان جلوگیری می کنند و ادعای مالکیت زمین های آن ها را دارند. این عناصر با اعمال نفوذ خود مانع رسیدگی به شکایات دهقانان می شوند. علاوه بر این گفته می شود که مالکان این منطقه گروه مسلحی تشکیل داده اند و دهقانان را تهدید می کنند. روستائیان منطقه، از مقامات مربوطه جداً طلب می کنند که به وضع آن ها رسیدگی شود و برای احقاق حقوق پایمال شده آنان اقدامات فوری به عمل آید.

با انحصارهای خارجی و...

در نتیجه استقلال سیاسی واقعی میهن ما امکان ناپذیر است. به همین جهت برانداختن نفوذ و تسلط اقتصادی انحصارهای خارجی و سرمایه داران بزرگ داخلی، که خاندان رسوای پهلوی در رأس آنان قرار داشت، یکی از هدف های عمده انقلاب ایران و یکی از وظایف اساسی دولت موقت جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می دهد. دولت موقت جمهوری اسلامی ایران با طرد کترسیوم بین المللی نفت و ملی کردن واقعی صنایع نفت، الفای برخی از قرار دادهای چندین میلیاردی خرید سلاح های جنگی، نیروگاه های اتمی و غیره، همراه با خروج از پیمان تچاوری سنتو، گام بسیار بزرگی در راه تأمین استقلال اقتصادی و سیاسی کشور برداشت. مصادره «اموال» باقیمانده خاندان پهلوی در ایران، کوشش برای بازگرداندن ثروت های غارتی آنان از خارج و یا مصادره اموال غارتگرانی نظیر القزبان و خرم نیز گام های است که در راه برانداختن نفوذ اقتصادی عمال امپریالیسم در ایران برداشته شد. ولی متأسفانه باید گفت، با وجود این گام ها و اقدامات اولیه، که به جای خود مثبت و مورد تأیید و پشتیبانی تمام نیرو های انقلابی، از جمله حزب توده ایران است، روش و سیاست دولت موقت درباره پایان دادن به تسلط انحصارهای خارجی و سرمایه داران داخلی وابسته، که قسط می تواند از راه ملی کردن بدون قید و شرط سرمایه های آنان انجام گیرد، هنوز مبهم و ناپیکار است.

تعیین سرنوشت نهائی قراردادهای با کشورها و انحصارهای امپریالیستی، به بررسی یکایک این قراردادهای موکول شده است. درباره سرمایه داران بزرگی که در آستانه انقلاب و یا پس از آن مبالغ هنگفتی از ثروت های با آورده خود را از کشور خارج کرده و به بانک های بیگانه سپرده و خود نیز از ایران فرار کرده اند، تصمیم روشن و قاطعی اتخاذ نشده است. گام مسئله ملی کردن واحدهای تولیدی و موسسات بانکی سرمایه داران بزرگ به تصویب قانون اساسی جدید موکول می گردد، گام حتی از سرمایه داران بزرگی نظیر علی رضائی، که پس از غارت بی پروای ثروت های ملی و تاراج زحمتکشان ایران همراه با ده ها و صد ها میلیون دلار از کشور متواری شده اند، برای بازگشت به ایران و تجدید فعالیت اقتصادی (یعنی غارت بازم بیشتر) دعوت به عمل می آید و برای اطمینان این خائنان وعده تضمین مال و جان به آنان داده می شود. طبیعی است که معاشات با چپاولگران داخلی و خارجی، که یکی از سرخست ترین پشتیبانان و ارتجاعی ترین پایگاه های اجتماعی رژیم جنایت کار و خیانت پیشه پهلوی بوده اند، نمی تواند با آمال انقلابی مردم شتمیده و با روح انقلاب بزرگی که با ایثار خون ده ها هزار شهید به پیروزی رسیده سازگار باشد.

واقعیت های کنونی میهن ما اقدام قاطع و پیگیر علیه این غارتگران داخلی و خارجی را ضرور می سازد. میهن ما اکنون وارث اقتصادی بهم ریخته و درهم کوفته از رژیم سابق است. با وجود اقدامات و

در این قطعه نامه تعیین حقوق عادلانه برای کارکنان کداک تقاضا شده است. نماینده کارکنان اعتصابی کداک در توضیح مندرجات قطعه نامه گفت: «شرکت ما به طور کلی یک شرکت امریکائی است. این شرکت در دوران طاغوت تا توانست زور گفت و استثمار کرد و خواست ها و اغراض سودجویانه اش را به کارمندان و کارگران زحمتکش شرکت دیکته نمود. مدیران شرکت پس از انقلاب به بهانه زیان مالی، در صدد برآمدند تا تعدادی از کارکنان را اخراج کنند، اما کارکنان با یکپارچگی در برابر این استبدادمنشی ایستادند و ثابت کردند که شرکت نه تنها زیان نمی دهد، بلکه در وضع مالی بسیار خوبی هم هست. آن ها تنها در شش ماه گذشته ۳ بار خودسرانه بهای اجناس را بالا بردند و قیمت ها را به دلخواه به بازار تحمیل کرده اند، اما به همین تکلیف نکرده اند. آن ها با استفاده از شرایط پریشان دوران انقلاب، قسمتی از اجناس را به دلال ها فروخته اند، که این خود در گرانی بیشتر کالا و اجناس به مصرف کننده نقش زیادی دارد.»

نماینده کارکنان اعتصابی افزود: «پادرمیانی وزارت کار تاکنون در پایان دادن به شرایط ناهنجار کنونی شرکت نتیجه نداشته است. وزارت کار توصیه کرده است که از طریق مذاکره با مدیران شرکت مشکلات را حل کنیم، اما مشکل اصلی ما خود مدیران شرکت هستند.»

اعتصاب و تحصن ملوانان و کارگران کشتیرانی آریا

در حدود ۷۰۰ تن از ملوانان، کارگران روزمزد و رسمی و نخبه بانان شرکت کشتیرانی آریا در خرمشهر از صبح چهارشنبه گذشته دست به تحصن زدند. نماینده کارکنان متحصن اعلام کرد که: «چون کوشش شتوایی برای شنیدن خواست های حقه ما وجود ندارد، به سر کار باز نخواهیم گشت.»

نماینده تحصن کنندگان افزود: «بما کمترین توجهی نمی شود. با وجود کار شاقی که داریم، از مزایایی که دیگر کارگران از آن برخوردارند، محرومیم. بما حق خواربار، بدی آب و هوا، پانداش سالانه و حق مسکن نمی دهند. این تمییز و بی عدالتی باید از میان برداشته شود. ما زیاد طلب نیستیم، چیزی بیشتر از ابتدائی ترین امکان برای ادامه زندگی خود نمی خواهیم.»

پس از دو روز تحصن و اعتصاب، خواست های کارگران و ملوانان مورد موافقت مدیرعامل شرکت قرار گرفت و اعتصابیون به سر کار خود باز گشتند.

هم زمان با اعتصاب و تحصن ملوانان و کارگران در خرمشهر، ۸۰ تن از کارکنان شعبه کشتیرانی آریا، در بندرعباس، نیز در محل شرکت تحصن اختیار کردند. آن ها خواستار برکناری رئیس شرکت و جایگزین شدن افراد ایرانی به جای کارکنان خارجی هستند. اعتصاب کنندگان تقاضا کرده اند که از سوی مدیرعامل شرکت، نماینده ای برای مذاکره با آن ها و انجام تقاضاهایشان اعزام شود.

خواست های کارگران کارخانه پنبه و روغن کردکوی

کارگران کارخانه پنبه و روغن کردکوی در پاسخ دعوت بحق امام خمینی، به اقدام برای سازندگی اقتصاد فلیج شده خود، به کار بازگشته اند، ولی به مبارزه برای تحقق کلیه خواست های که قبلاً مطرح کرده بودند، ادامه می دهند.

- ۱. کارگران این کارخانه در تاریخ ۸ فروردین ماه سال جاری، خواست های خود را بدین شرح اعلام کرده بودند:
۲. تعویض مدیریت فاسد کارخانه،
۳. به رسمیت شناختن حق تشکیل سندیکا برای کارگران،
۴. دائمی کردن کارگران فصلی و بیمه آنان،
۵. بازگشت کارگران اخراجی به کارخانه،
۶. کاهش ساعت کار روزانه از ۱۲ ساعت به ۸ ساعت،
۷. پرداخت حقوق و مزایا و سود ویژه معوقه،
۸. ایجاد سالن غذاخوری و نمازخانه،
۹. تهیه وسایل ایمنی و بهداشتی برای کارگران،
۱۰. بازگشت افرادی که به هنگام حادثه در موقع کار ناقص العوض و اخراج شده بودند و گماشتن آنان به کار متناسب با وضع جسمانی آن ها،
۱۱. پرداخت حق اولاد توسط کارفرما.
کارگران تصمیم دارند تا پیروزی نهائی دست از مبارزه نکشند و امیدوارند که کارفرما کلیه حقوق قانونی و انسانی آنان را به رسمیت بشناسد و برخلاف گذشته دیگر به اعمال شد کارگری و متخرب دست نزند و با ادامه چنین اعمالی، در چنین لحظه حساسی، کارگران را به واکنش های شدید وادار نکند.

قابل توجه ناشران

مدتی است که ناشران، افزودن موسسات گوناگون، انتشارات حزب توده ایران را، بدون موافقت و اجازه حزب، تجدید چاپ می کنند و به فروش می رسانند. بدین وسیله به اطلاع همگان و به ویژه ناشران می رساند که تجدید چاپ، بخش و فروش انتشارات حزب توده ایران، بدون موافقت و اجازه کتبی حزب ممنوع است. از کسانی که تاکنون انتشارات حزب توده ایران را تجدید چاپ کرده و به فروش رسانده اند، خواهشمند است که برای روشن ساختن وضع حقوقی و مالی آنچه که تاکنون توسط آن ها انتشار یافته، به دفتر «مردم» مراجعه کنند. ناشرانی هم که میل دارند انتشارات حزب توده ایران را چاپ و یا تجدید چاپ کنند، باید برای کسب موافقت و اجازه-حزب به دفتر «مردم» مراجعه کنند. امیدواریم این خواست قانونی مورد توجه همه علاقمندان به انتشارات حزب توده ایران قرار گیرد. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

آگهی انتشار:

از این پس «مردم» سه شماره در هفته: شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود

یاد شهیدان حزب را گرامی بداریم



حزب توده ایران در راه آرمان‌های طبقه کارگر و خلق زحمتکش، در راه آزادی و استقلال ایران قربانی‌ها داده است نام برخی از این جانبازان را همه بدانند، ولی نام بعضی از آنان تازه باید با گوش‌ها آشنا گردد و نام عده‌ای دیگر تازه دارد کشف می‌شود و یا باید کشف شود.

«مردم»، با کمک اعضاء، هواداران و دوستان حزب و همه میهن‌پرستان و آزادی‌خواهان ایران، می‌کوشد مردم را به تدریج با این نام‌های کم شناخته شده و یا ناشناس آشنا کند. باشد که خاطره تابناک این رزمندگان شهید نیز جاویدان گردد و زندگی و پیکار و شهادت آنان نیز سمرقق ادامه‌دهندگان راهشان شود.

سعید محمدعلیزاده در سال ۱۳۴۸، در بخش شستر، زادگاه معجز رزمجو، در خانواده‌ای متوسط الحال چشم به جهان گشود. پس از پایان تحصیلات دبیرستانی، در سال ۱۳۴۸ وارد دانشگاه تبریز گردید و در سال ۱۳۵۲ در رشته فیزیک فارغ‌التحصیل شد. سعید از آغاز ورود به دانشگاه به صورت جستجوگری خلاق به جریانات متفاوت انقلابی نزدیک شد. در اواخر سال ۱۳۵۱ پذیرفته شد که به نام «سید سعید» در حزب توده ایران - و جزوات و نشریات حزبی در فروغ وجدانش به صورت درختی تناور بایستد و از سعید شخصیت جدیدی، مسلح به تئوری مارکسیسم - لنینیسم و عشق و ایمان به توده‌های خلق سربرکشید. سعید در حزب توده ایران زندگی جدیدش را آغاز کرد.

«حزب ما خرد، افتخار و وجدان‌بیدار دوران ماست. این وظیفه ماست که در راه تاملین و حفظ استحکام، یک‌پارچگی، پیگیری و پاک‌سازی حزب بکوشیم. این ماییم که باید عنوان، اهمیت و اعتبار عضویت حزب را با تلاش بی‌امانمان بالا، بالا و بالاتر ببریم.» این سخنان لنین مکرر در مکرر بر لبانش جاری بود تا این که در همان سال، مزدوران ساواک دستگیرش کردند، ولی به علت نیافتن مدرکی درخور، آزاد گردید.

پس از فراغت از تحصیل، سعید در لباس افسر وظیفه مشغول خدمت در آموزش و پرورش شهر مینوداب شد، و به علت عشق بی‌پایانش به سرنوشت توده‌های رنجبر، اغلب اوقات خود را در مصاحبت و نزدیکی با افکار محروم مردم می‌گذراند و مشا تمام بدبختی‌ها و فلاکت آن‌ها را با زبانی ساده برای‌شان بیان می‌کرد.

سعید به توده‌ها باوری عظیم داشت و می‌دانست که وقتی آموزش‌های حزب - این رزمنده خردمند - در ذهن توده‌ها جا بگیرد، به قدرتی لایزال بدل می‌گردد. به دوستی سوسیالیستی و شخصیت توده‌ای او، هنوز هم ورد زبان زحمتکشان دیارشان است. وقتی چند دهکده اطراف مینوداب در محاصره سیل شدید قرار گرفت، سعید، این فرزند بلاغض حزب توده‌ها، به بعضی اطلاع از این موضوع، به نجات روستائیان شتافت و ۵ روز متوالی، همدوش خانه بدوشان دهات آذربایجان، با قهر طبیعت در آویخت. و همین مهر و عشق بی‌پایان به توده‌ها و نفرت و کین آگاهانه به طبقات ستمگر و رژیم جلاجل پهلوی کافی بود که در خیمان روز سیزده خرداد ۱۳۵۳، به‌بهاله شنا در زیرنه رود، به‌زندگی این توده‌ای رزمجو و کوشنده و بی‌بالک خاتمه دهند.

زحمتکشان شستر در سوگش اندوهبار گریستند، چرا که سعید آموزگار کوشالی بود و قلبی به وسعت دریا داشت.

کدام نیروها علیه حزب توده ایران...

عمل خود می‌دانند، مبارزه کرده‌اند، شهید داده‌اند. و بحق در انقلاب پیروزمندان ایران سهمی دارند. برای ما این سؤال مطرح است که: این گروه‌ها چرا باید همان‌سازی را بنوازند که سالیان دراز رزمندگان رژیم ناسد و فسادپرور محمدرضائی می‌نواخت و میکوشید بر برابر اربابان خویش، خود را قهرمان ضد شوروی در مقیاس منطقه و قهرمان ضد توده‌ای در مقیاس ایران به‌قلم بدهد و یا دستیاری سیا دستگاه ساواک را به وجود آورد، که بعدها هم سایه موساد صهیونیستی بر سرش افتاد و گرگ‌های درنده ساواک را مامورینشکار بهترین فرزندان خلق‌های میهن ما کرد، آنهمه خون ریخت و آنهمه خاندانها را برباد داد! این‌ها چرا باید با اتخاذ روش‌های ضد توده‌ای و ضد شوروی در کنار هارترین جناح‌های امپریالیسم و بازمندان رژیم سابق و گروه‌های مائوئیست و تروتسکیست قرار گیرند؟! چرا باید در ایجاد و تشدید جو ضد توده‌ای، یار و مددکار همان‌ها باشند که دیروز پاران آن‌ها را به مسلسل می‌بستند؟ برای ما دشوار و ناگوار است باور کنیم که این گروه‌ها به‌عواقب وخیم راهی که در پیش گرفته‌اند، توجه دارند و دانسته و فهمیده این راه را برگزیده‌اند.

باوجود این به‌رحال این راه روش در عمل جز تولید نفاق و اختلاف در بین نیروهای راستین انقلاب، که عمده‌ترین وظیفه آن‌ها اتحاد عمل در برابر دشمن اصلی، یعنی امپریالیسم و بقایای رژیم خونخوار محمدرضائی است، چه نتیجه‌ای می‌تواند دربر داشته باشد؟

ما در یکی از حساس‌ترین لحظات و سر پیچ‌های مهم تاریخ ایران قرار داریم. دشمن در کمین است که دستاوردهای انقلاب را از ما برباید. با این‌که این دشمن خونخوار و سرسخت هنوز، چه در خارج از ایران و چه در داخل ایران، پایگاه‌های استواری دارد و یک لحظه از توطئه و دسیسه علیه انقلاب پیروزمند ما باز نمی‌ایستد، اما غلبه بر این دشمن، با همه نیرومندی‌آن، دشوار نیست. برنده‌ترین حربه در برابر این دشمن، اتحاد عمل تمام نیروها است. تفرقه و تشتت در بین نیروهای انقلابی، درست همان است که دشمن چشم امید به آن

بر مزار خسرو روزبه

«مدتها بود شرم نمی‌گفتم. اما این هدیه ناچیزی است از من به‌مردی که به‌نظم واقعا تجسم وجدان مردم بود»

ع. ج. دریا

یک لحظه هم به‌مردم تو باور نکرده‌ایم زیرا که نام پاک تو همیای زندگی است نام تو چون تجسم عصیان به‌بندگی است این نام را شهید! زسر در نکرده‌ایم

در دادگاه خلق تو به‌روز بوده‌ای نه دشمنان که ننگ به‌آرزان خریدند این کور دیدگان همه امروز دیده‌اند کتان شکست خورده، تو پیروز بوده‌ای

هر عضو حزب یاد تو با خویش می‌برد هر زجر دیده نام تو تکرار می‌کند بر جاودانگی تو اقرار می‌کند هر دل که بر مزار تو امروز می‌طبد

نامت برای حزب تو اسم است و افتخار آن‌گونه‌ای که حزب تو را افتخار بود ای مرد جاودانه و ای جاودان سرود بر خیز و خلق را بترک باز در کنار

یار اگره کند که بگوید ز ما گمی هر کشته‌ای به‌نام تو فریاد می‌کند آن‌جا که ظلم و فاجعه بیداد می‌کند تو روزبه! تجسم وجدان مردمی

خانه روزنامه «مردم» و دروغ‌پردازی...

ایران خانه‌ای را که دفتر روزنامه «مردم» است، به‌مبلغ هنگفت چهارده میلیون تومان «خریداری کرده است». پس از چندروز رقم بهای خانه به‌اصطلاح خریداری شده و بالا بردند و آنرا از ۱۴ میلیون به ۱۷ میلیون افزایش دادند. سپس با زهرروز مبلغی برای آن افزودند تا قیمت را به‌دها میلیون رساندند، و اگر سرعت این دروغ‌سازی با همین آهنگ پیش رود، باید انتظار داشت که در آینده نزدیک این رقم از مرز صد میلیون و شاید صدها میلیون نیز تجاوز کند!

کسانی که این دروغ‌ها را شایع می‌سازند و متأسفانه گاه برخی از افراد سرشناس نیز به‌خیل آن‌ها می‌پیوندند، می‌خواهند چنین جلوه دهند که گویا حزب توده ایران به‌منابع مالی سرشاره دسترسی دارد...

در این میان افراد ساده‌دل و زودباوری که به‌دام این شایعه‌پردازان می‌افتند، پس از شنیدن این قبیل اکاذیب، گاه بدون اندک تلاش برای روشن کردن حقیقت، به واگویی آن‌ها می‌پردازند و بی‌آن‌که خود خواسته‌باشند، به‌روتق بازار شایعه‌سازی و پخش اکاذیب گمراه کننده، کمک می‌رانند. و اما حقیقت چیست؟ حقیقت اینست که خانه دفتر روزنامه «مردم»، خانه‌ای است متعلق به‌آقای مهندس جمشید هرمز، یکی از شخصیت‌های آزادی‌خواه، که خود در مضیقه مالی است، یعنی مقروض است، و نوسازی ساختمانش هنوز به‌پایان نرسیده است. و ایشان خانه ناتمام خود را در مقابل ماهانه ۴۵ هزار تومان، به‌حزب توده ایران اجاره داده‌اند و حزب نیز متأسفانه تاکنون در پرداخت اجاره بهای آن بسا دشواری بسیار روبرو بوده است.

بدین‌سان برخلاف دعوی شایعه‌سازان، حزب توده ایران حتی فکر خرید خانه ۱۴ میلیون تومانی و بیشتر را برای دفتر روزنامه ارگان مرکزی خویش، حتی به‌خاطر هم خطور نداده و نمی‌تواند خطور دهد، زیرا از نظر مالی سخت در مضیقه است و به‌همین جهت از کلیه اقسالییون و آزادی‌خواهان، از همه عناصر ملی میهن پرست و ترقی‌خواه جامعه ایران تقاضای کمک کرده است، و بسیار خرسند است که تقاضایش تاکنون بی‌جواب نمانده است.

کار شایعه‌سازان باید خیلی خراب باشد که برای پیشبرد اغراض ناپاک خود و در تلاش عبث برای بدنام ساختن حزب توده ایران به‌چنین شایعات ناشیانه‌ای متوسل می‌شوند. اینان از مکس «فیل» می‌سازند و عاج چنین «فیلی» را به‌بازار شایعه‌سازی عرضه می‌دارند.

ما از تمام افراد شریف و پاکدامن، از همه نیروهای میهن‌پرست و ترقی‌خواه و انقلابی انتظار داریم که هنگام برخورد با چنین شایعات پلیدی، وظیفه و مسئولیت وجدانی خود را از یاد نبرند و با کوشش برای تمیز راست از دروغ و روشن‌ساختن حقیقت دست رد به‌سینه فتنه‌انگیزان و شایعه‌سازان بدانند پیش بگویند.

رئیس دینی مسلمانان ماوراء قفقاز در اتحاد شوروی، پیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی در ایران را تهنیت می‌گوید

شیخ الاسلام غضنفر ابراهیموف، رئیس دینی مسلمانان ماوراء قفقاز در اتحاد شوروی، طی مصاحبه‌ای اظهار داشت: «برای من و مسلمانان ماوراء قفقاز مایه مسرت و خوشبختی است که انقلاب مردم مسلمان ایران پیروز گردید و در این کشور همجوار ما جمهوری اسلامی استقرار یافت. ما مسلمانان شوروی موفقیت و شکوفائی مردم این کشور همسایه را در ساختمان زندگی نوین آرزو مندیم.»

شیخ الاسلام ابراهیموف، از روحانیون برجسته محافل اسلامی است و ریاست اداره دینی مسلمانان ماوراء قفقاز، یعنی آذربایجان، گرجستان و ارمنستان شوروی را به‌عهده دارد.

شیخ الاسلام غضنفر ابراهیموف اظهار داشت: «مسلمانان ماوراء قفقاز با علاقمندی به‌گرایش‌های صلح‌آمیز و سازنده در کشور همسایه خود ایران می‌نگرند و در این راه همه خلق‌های ایران موفقیت آرزو می‌کنند. آرمان‌هایی‌را که انقلاب ایران برای مردم بجا آورده، برای ما مردم آذربایجان بسیار آشناست. من دورانی را به‌خاطر دارم که منابع نفت کشور ما به‌وسیله انحصارات نفتی خارجی و حثیانه استثمار می‌شد. در آن زمان، در حالی که سودهای افسانه‌ای به‌بانک‌های اروپائی سرازیر می‌شد، کارگران صنایع نفت باکو، که تعداد کثیری کارگر ایرانی در میان آن‌ها بودند، با فقر و بدبختی دست‌به‌گریبان بودند. انقلاب در کشور ما ثروت‌های نفتی را به صاحبان آنان باز گرداند، همچنان‌که انقلاب در کشور ایران، دست غارتگران امپریالیستی و عاملین داخلی آن‌ها، یعنی رژیم خودفروخته را از منابع نفتی ایران کوتاه نمود و ثروت‌های طبیعی را در اختیار مردم کشور قرارداد.»

شیخ الاسلام ابراهیموف درباره تصمیم جمهوری اسلامی ایران در مورد قطع رابطه با اسرائیل و ابراز همستگی با خلق عرب فلسطین اظهار داشت: «این اقدام شرافتمندانه احترام و حیثیت جمهوری اسلامی ایران را در انظار مسلمانان و همه خلق‌های آزادیخواه جهان بالا می‌برد، زیرا هرگونه کمک و همکاری با صهیونیست‌ها، احساسات ملی و مذهبی برادران عرب را جریحه‌دار می‌سازد و در حکم توهین است به‌اسلام و اماکن مقدس اسلامی.»

علاقتمندی مسلمانان ماوراء قفقاز و همه خلق‌های کشور ما به‌پیروزی و شکوفائی انقلاب ایران، امریست طبیعی، زیرا ایران کشور همسایه ماست، که با مردم ما روابط سنتی دیرینه دارد. به‌ویژه ما خلق‌های نواحی قفقاز، از دیرباز با مردم ایران در همه زمینه‌های مذهبی، بازرگانی و فرهنگی روابط نزدیک و گسترده‌ای داشته‌ایم.»

شیخ الاسلام ابراهیموف در پایان مصاحبه خود گفت: «با استفاده از این فرصت، می‌خواهم بهترین تبریکات خود را به‌مردم و رهبر انقلاب ایران تقدیم دارم. ما همواره موفقیت ملت‌ایران را برای ایجاد زندگی نوین و پیروزی در راه انقلاب از خداوند مسئلت می‌کنیم و امیدواریم که دوستی و روابط حسن‌همجواری میان خلق‌های دو کشور ما استوار و برقرار باشد.»

امپریالیسم امریکا - خطرناک‌ترین...

خشم و بی‌زاری دریافتند که قتل ناچمر دانه دو تن از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی ایران محصول مستقیم توطئه امپریالیسم امریکا و عمل ایرانی آنست.

و امام خمینی، ضمن افشای این توطئه شیطانی تاکید کرد که: «عمل امریکا مشول ترور سرلشکر قرنی و آیت‌الله مطهری هستند.»

از جانب دیگر، کسانی مانند گردانندگان «آیندگان» کوشیدند که سازمانی به‌نام «فرقان» را، که گویا هم مذهبی است و هم «ضد امریکائی»، عامل ترور و ناوودسازند.

در حالی که اگر سازمانی ایمان مذهبی راستین داشته باشد و ضد امریکائی هم باشد، مسلماً نمی‌تواند دست به تروری بزند که مستقیماً به‌سود ضد انقلاب، به‌سود امپریالیسم امریکا و بازمانده‌های رژیم خائن و منسفر پهلوی تمام خواهد شد. به‌همین جهت است که امام خمینی تاکید کرد که:

«عمل امریکا در جریان این ترورها خود را پشت سازمان مذهبی دروغین فرقان پنهان کرده‌اند.»

تمام این توطئه‌های خائنه، تلاش‌های ننگین و اتهامات و افتراآت نفرت‌انگیز، که گاه در قیافه «چپ» و گاه در لباس راست انجام می‌گیرد، نشانه آنست که انقلاب ایران در داخل و خارج کشور دشمنان خطرناک بسیار دارد و امپریالیسم امریکا بزرگ‌ترین دشمن آنست.

و همه این‌ها به‌نیروهای انقلابی هشدار می‌دهد که بایستی گسری در مبارزه و هشیاری در تمیز دوست از دشمن، و با اتحاد در برابر دشمن مشترک، باید توطئه‌های ضد انقلاب را عقیم گذارند.

و سرانجام باید خرسند بود که

امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، با موضع‌گیری قاطع و روشن خود در افشاء منشاء واقعی این توطئه‌ها، یعنی امپریالیسم امریکا و عمل ایرانی آن‌ها، و بطلان کلیه اتهاماتی را که در این زمینه از «چپ» و راست انجام گرفته و می‌گیرد، بار دیگر موضع اصولی و انقلابی رهبری انقلاب را تاکید کرده است.

گزارش مراسم بزرگداشت... کارگران، زحمتکشان، اعضاء، هواداران و دوستان حزب توده ایران مزار شهدا را طواف می‌کنند، بر گورها گل می‌نشانند و در حالی که از کمیته امام در بهشت‌زهرا سپاسگراند که در حفظ نظم کمک ارزنده‌ای مبذول داشت، مراسم پایان می‌گیرد.

می‌آییم. پلاکاتی جلویم در حرکت است. عکس روزبه‌است. زیرش نوشته‌اند:

نمیرم و نمیرند هر آنکس ره خلق گیرند

کارگران، کنار حرکت می‌کنند، می‌خوانند:

روزبه خودش یک قهرمان است برای خلق‌ها، عملش یک سرمشق است برای نسل جوان ما،

آرامش یک پرچم است برای طبقه ما،

نامش یک نداست برای اتحاد و مبارزه همگی ما!

کسی دست پشانه‌ام می‌گذارد. نگاه می‌کنم. آه، این روزبه‌است. کنار من است. کنار همه است. دست روی شانه همه دارد و لبخند می‌زند.

با من می‌آید. با ما می‌آید. می‌گویم: دستم را محکم بگیر رفیق روزبه!

می‌آئیم و مردگان در رستاخیز گام‌هایمان بیدار می‌شوند. ما به‌فتح جهان نو می‌رویم.

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

برای افراد زیادی از خوانندگان «مردم»، از دوستان حزب توده ایران، پرسش‌هایی در باره تاریخ حزب، سیاست حزب و مواضع حزب نسبت به مسائل گوناگون پیش می‌آید. از این پس روزنامه «مردم» ستونی می‌گشاید، زیر عنوان «پرسش‌ها و پاسخ‌ها»، و در این ستون کوشش بعمل خواهد آمد به پرسش‌هایی که از طرف افراد مختلفی، به یسکان و یا تقریباً یسکان مطرح می‌شود، پاسخ داده شود.

از خوانندگان «مردم» و دوستان حزب خواهشمندیم پرسش‌های خود را به دفتر روزنامه مردم ارسال دارند.

تأیید کمیته‌های امام و...

این کمیته در لباس پاسداران انقلاب جان خویش را به خطر می‌اندازند. تا امکان توطئه را از ضدانقلاب سلب کنند و به بهای خواب و راحت خویش، آرامش کشور و هم‌میهنان خود را تأمین نمایند. چه‌بسا از این جوانان پرشور انقلابی، که در این چند ماهه اخیر، آماج کین دشمنان قرار گرفته و در دل تاریکی شب به‌سرب کلوله‌های ضدانقلاب از پای درآمده و شهید شده‌اند.

تردید نیست که ضدانقلاب، و در رأس آن اعضای ساواک، از هر فرصتی برای سوخ در صفوف انقلابیون، هم به‌منظور کسب اطلاع و هم به‌منظور خرابکاری استفاده می‌کنند. کمیته‌های امام هم، که یکی از ستون‌های انقلاب‌اند، طبعاً از خطر نفوذ دشمن برکنار نمانده‌اند و عناصر ارتجاعی و ساواکی‌های مزدور و افسران فرست‌طلب به‌طور ناشناس بدون این کمیته‌ها راه یافته و با ارتکاب اعمال منافی با روح منزه انقلاب، سعی در پندام ساختن کمیته‌ها کرده‌اند و اینجا و آنجا در کار دولت مشکلاتی پدید آورده‌اند. اما این یکی از شکردهای دشمن است که با نفوذ در ستون‌های استوار انقلاب، آن را ست کند، مردم را نسبت بدان بدبین و بی‌اعتماد سازد، به‌تدریج آن را از هم فرو پاشد و در شرایط مساعد، شریه قطعی بر آن انقلاب وارد آورد. در مورد کمیته‌های امام هم ضدانقلاب در کار اجرای چنین نقشه‌ای است، که باید در برابر آن کاملاً هشیار بود.

در این که عناصر نامطلوب به‌درون کمیته‌ها راه یافته‌اند، تردیدی نیست و به همین علت هم، امام خمینی چندین بار تمهید کمیته‌ها را توصیه نموده است. این توصیه امام خمینی، که به‌سود انقلاب و حفظ دستاوردهای آن است، باید بدون ساسحه و تملل و با دقت انقلابی انجام شود: دست دشمن و عناصر فرست‌طلب از کمیته‌ها قطع گردد و افراد فداکار و سیمیمی و انقلابی در عضویت کمیته‌ها باقی بمانند.

مصلحت انقلاب پاکسازی کامل کمیته‌ها را طلب می‌کند و این امر باید انجام گیرد. اما دشمن، که نه از نارسان‌ها، بلکه تنها از قاطعیت کمیته‌های امام و نقش موثر آن‌ها در کشف، پی‌گیری و بازداشت عناصر وابسته به رژیم سابق خشمگین است، از یکسو آدم‌های خود را به‌منظور خراب‌کاری و آزارن کمیته‌ها کرده است و از سوی دیگر، با تبلیغ وسیع در باره نقائص کار کمیته‌ها و بزرگ جلوه دادن آن، می‌خواهد تیشه به‌ریشه آن‌ها بزند و این بازوهای توانا را از پیکر انقلاب جدا سازد، تا راه برای اهداف شوم آن هموار شود.

همانطور که امام خمینی یادآور شده است، تا زمانی که دولت بر اوضاع تسلط کافی ندارد و به‌علت دشواری‌های دوران گذار، نمی‌تواند وظایف خود را همه‌جانبه به‌انجام رساند، وجود کمیته‌ها ضروری است، باید آن‌ها را تقویت کرد و نه تضعیف. نخستین گام برای تقویت آن‌ها، پاکسازی‌شان از عناصر ناباب و گرفتن حربه تبلیغ سوء و خصمانه، از دست دشمن است. حزب ما ضمن تأیید کمیته‌ها، خواستار تصفیه کامل آن‌ها از عناصر مخرب و استفاده جو است، تا ضدانقلاب نتواند سلاح زنگاریسته خود را علیه انقلاب به‌کار اندازد.

رویدادهای جهان

عموسام، سایه‌به‌سایه صهیونیسم

هرجا که رد خونین پای صهیونیسم و آثار تجاوزها و ویرانگری‌های آن مشهود است، آسان می‌توان سایه عموسام را دید. به‌دیگر سخن، عموسام در همه‌جا سایه‌به‌سایه صهیونیسم گام برمی‌دارد، حتی - و شگفت آن که - در مجمع جهانی بهداشت! همانطور که کاخ سفید، جنایات محمد رضا پهلوی را با پیام «بهرحال می‌بایست امنیت برقرار می‌شد»، تأیید می‌کرد، تجاوزهای وزینی اسرائیل را به سرزمین‌های عربی، بمباران و کشتار فلسطینی‌ها و مردم لبنان را نیز که جرمی به‌جز دفاع از استقلال، حاکمیت و حقوق مشروع و طبیعی خود ندارند، صحنه می‌گذارد و آنچه در این میان درخور تأمل و شگفتی است، این است که آمریکا از ملت‌ها و اقوامی که در معرض تجاوزات و جنایات نظامات و افراد تحت حمایت او قرار می‌گیرند، متوقع است که زبان به اعتراض نگشایند!

امریکا سازمان جهانی بهداشت را، که در ژنو تشکیل شده است، تهدید کرده است اگر کشورهای عرب در این اجلاس مجازات‌هایی را علیه اسرائیل در نظر گیرند، این سازمان را ترک خواهد کرد.

رئیس هیئت امریکا در ژنو این تهدید را پیش از آن که برای تبادل نظر به‌واشنگتن عزیمت کند، عنوان کرد.

همزمان با این تهدید، امریکا به‌منظور حمایت بی‌دریغ از اسرائیل، تبادل نظرهای خصوصی خود را در باره تقاضای تشکیل جلسه شورای امنیت از طرف لبنان به‌منظور بررسی وضع جنوب این کشور، آغاز کرد.

لبنان خواستار آن است که نیروهای سازمان ملل در این ناحیه، مأموریت خود را به‌طور کامل انجام دهند. غیر نظامیان مسلح راستگرا که زیر حمایت اسرائیل هستند، قسمتی از نوار مرزی را متصرف شده‌اند و از انجام مأموریت نیروهای سازمان ملل معانت به‌عمل می‌آورند.

در زیر همین چتر حمایتی امریکا است که غیر نظامیان مسلح راستگرا یک شهر زیر نظارت فلسطینی‌ها را در جنوب لبنان گلوله‌باران کردند. ویرانگر این گونه حمایت‌ها است که هرروز جنبش تازه و تازه‌تر در سرزمین‌های مورد تجاوز یا تحت اشغال اسرائیل به‌وقوع می‌پیوندد. چنان‌که به‌گزارش آوسیتدیرس، مقامات لبنانی اعلام کردند که بر اثر انفجار یکی از بمب‌های خوشه‌ای، که در جریان حملات اخیر اسرائیل بر جنوب لبنان افکنده شده است، هشت کودک لبنانی به‌قتل رسیده‌اند و شش تن دیگر مجروح شده‌اند! به‌گزارش خبرگزاری فرانسه، در نواحی مرکزی جنوب لبنان نیز بر اثر بمباران‌های اخیر این ناحیه از طرف اسرائیل و نیروهای سرگرد سعد حداد، مزدور به‌اصطلاح لبنانی او، سه نفر به‌قتل رسیده‌اند و هفت تن دیگر زخمی شده‌اند.

از طرف دیگر تانویک، خبرگزاری یوسلاوی، اعلام کرد که اسرائیل زرهپوش‌های خود را به منطقه بنت جبیل، در داخل خاک لبنان، وارد کرده است. تانویک سپس تصریح کرد که مناسخ‌بگین بدین وسیله می‌خواهد لبنان را به‌دشمن پیشهاد صلح مزورانه خود مجبور کند.

به‌گزارش خبرگزاری فرانسه، صهیونیست‌های اسرائیل، بندر صور و چندین شهرک لبنانی را زیر آتش گرفتند، در حالی که از طرف دیگر، شبه نظامیان مسیحی راستگرای، در جنوب این کشور به سربازان هلندی پاسدار صلح سازمان ملل حمله کردند.

به‌گزارش آوسیتدیرس، در پی حملات دریایی و هوایی اسرائیل به لبنان، رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد، با نمایندگان امریکا و کویت در این شورا و همچنین نمایندگان هشت کشوری که در نیروی پاسدار صلح سازمان ملل در لبنان شرکت دارند، گفت و گو کرد.

الزهر «مسلمان» آب در آسیاب صهیونیسم می‌ریزد!

داستان توجیحات و تظاهرات «اسلامی» معاویه‌گونه در تاریخ تکرار می‌شود و برای این‌کار، پیغمبر اسلام و قرآن، مزورانه مورد استناد قرار می‌گیرند! دانشجویان (مجبوب یا مرعوب) دانشگاه اسلامی الزهر، ابلیس‌های انتشار دادند و در آن پشتیبانی خود را از پیمان صلح سادات و اسرائیل اعلام کردند و «فتوی دادند» که این پیمان با دین اسلام سازگار است! در بیانیه الزهر همچنین اقدام خیانت‌آمیز سادات چنین توجیه شده است که پیامبر اسلام نیز پیمان‌های صلحی با دشمنان اسلام منعقد ساخت و قرآن نیز تجویز کرده است که به‌سود اسلام بایسد با دشمن صلح کرد!

لکن این‌گونه تلاش‌ها برای توجیه و تبرئه خیانت سادات بی‌فایده است و تحریم و اعلام محکومیت سادات از طرف جهان عرب همچنان ادامه دارد.

خبرگزاری فرانسه با استناد به نوشته روزنامه‌الرای، چاپ اردن، اعلام کرد که عربستان سعودی به‌زودی تصمیم خود را در مورد انصراف از تأمین مالی خرید هواپیماهای امریکایی از طرف مصر اعلام خواهد داشت. این روزنامه با استناد به قول منابع آژامه عرب در پاریس نوشت که این اقدام عربستان سعودی جزئی از سیاست تحریم رژیم سادات از طرف آن کشور است.

با اقدامات قاطع انقلابی...

پیچیده شده است.

سخنگوی دولت رسماً اعلام کرده است که لیست ۵ تا ۸ هزار تن از افراد ساواک در اختیار دولت است و وجود این عناصر تبهکار و آدمکش در میان مردم و فعالیت آزادانه آن‌ها خطر بزرگی برای انقلاب و دستاوردهای آن ایجاد می‌کند. رویدادهای دوران پس از انقلاب بروشنی نشان می‌دهد که عمال ساواک منحل در اکثر توطئه‌ها، غائله‌ها، ترورها و تبهکاری‌ها مستقیماً دست دارند. این عناصر پیوسته با یکدیگر در تماس هستند و در واقع یک نوع تداوم و ادامه‌کاری سازمان مخفون خود را حفظ کرده‌اند و برای فعالیت ضدانقلابی، زیر رهبری سیاه خود نقشه‌های منظم طرح می‌ریزند.

این دشمنان رژیم سرنگون‌شده را باید با قاطعیت انقلابی از میان مردم طرد کرد، باید با اقدامات قوری و بایاری گرفتن از توده‌های مردم هرچه سریع‌تر به‌فعالیت ضد انقلابی این عناصر پایان داد.

کمیته‌ها و دادگاه‌های انقلاب خوشبختانه به‌وظایف خود در این زمینه عمل می‌کنند، ولی خونسردی برخی مقامات مشول دولتی در قبال فعالیت آزادانه تبهکاران حرفه‌ای، طبعاً در میان مردم ایجاد شگفتی می‌کند.

در سراسر کشور کم‌ترین خانواده‌ای را می‌توان یافت که درخیمان ساواک یکی از عزیزان آن‌ها را به‌قتل رسانده، زجر

و شکنجه نکرده، به‌زندان نیفکنده یا برای سالیان دراز به‌درد دوری از میهن محکوم ناخته باشد.

مردم این جنایات سهمگین را هرگز براین نابکاران نخواهند بخشود و از دولت انتظار دارند که برای تعقیب و مجازات آنان، طبق همان لیستی که در اختیار دارد، اقدامات جدی به‌کار برد.

نمایشگاه به‌یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران با استقبال کم‌نظیر مردم روبه‌رو شده است

روز ۲۱ اردیبهشت، هم‌زمان با برگزاری مراسم سالگرد شهادت خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، نمایشگاه به‌یاد شهیدان راه آزادی و استقلال ایران نیز افتتاح شد. نمایشگاه، از هجانه ساعت افتتاح، با استقبال کم‌نظیری روبه‌رو شده و تاکنون نه‌فقط عده کثیری از مردم تهران، بلکه بسیاری از مردم شهرستان‌ها نیز از آن دیدن کرده‌اند و با زندگی و پیکار و شهادت مبارزان راه آزادی و استقلال ایران آشنا شده‌اند.

علاقتمندان می‌توانند تا روز ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، از ساعت ۱۵ تا ۱۹، در محل دانشگاه صنعتی تهران، محوطه بین تالارها، از این نمایشگاه دیدن کنند.

به‌گزارش یونایتدپرس، دولت کویت نیز در ادامه تشدید مبارزات اقتصادی با مصر و به‌منظور اعتراض به پیمان اسارت‌بار سادات با بگین، اعلام کرد که مبلغ یک میلیارد دلار سیردهای بانکی خود را از بانک‌های مصری خارج خواهد کرد. واشنگتن بست ضمن انتشار این خبر با استناد به قول منابع آژامه امریکایی نوشت که این اقدام کویت که حاکی از تصمیم کشورهای عرب در باره تیبیه رژیم سادات است، در زمانی انجام می‌گیرد که عده‌ای از مقامات عالی رتبه امریکا خواستار کمک‌های فوری اقتصادی به مصر هستند.

هفته‌نامه الریاض، چاپ عربستان سعودی، نیز نوشت که سازمان کشورهای خلیج فارس، که در سال ۱۹۷۸ مبلغ یک میلیارد و هفتصد و چهل و پنج میلیون دلار برای توسعه اقتصادی مصر کمک کرده بود، دیگر کمک مالی خود را به رژیم سادات قطع کرد.

چین علیه سیاست تشنج‌زدایی و سوسه می‌کند

تنگ شیائوپینگ، که در این اواخر در مقام «عقل منصل» کاخ سفید ظاهر شده است، در باره امضای پیمان محدودیت سلاح‌های استراتژیک (۳ ساله) میان اتحاد شوروی و امریکا، به عادت دیرین سیاسی خود، تنگ شیائوپینگ به‌اصطلاح کمونیست، در گفت‌وگو با خبرنگاران امریکایی امپریالیست، به امریکا بند داد که به‌چنین پیمان‌هایی اعتماد نکند! و شگفت آن‌که ژاپن سرمایه‌دار از پیمان ۳ ساله ستایش کرد! خبرگزاری آوسیتدیرس از تسوکیو گزارش داد که دولت ژاپن از انعقاد پیمان جدید محدودیت سلاح‌های استراتژیک (۳ ساله) ستایش کرد و گفت این پیمان گامی دیگر در جهت تأمین ثبات صلح جهانی است. دولت ژاپن ضمن صدور اعلامیه‌ای تصریح کرد که این پیمان، خلغ سلاح هسته‌ای را نزدیک‌تر کرده است.

...و چین در سر آشوب سودهای عظمت‌طلبانه تندمی تازد

رویتز از مسکو گزارش داد که اتحاد شوروی اعلام کرد که زمامداران ماوولیتس چنین می‌گویند تا در گفت و گوهای صلح با ویتنام، که در هانوی جریان دارد، شروط خود را بر جمهوری سوسیالیستی ویتنام تحمیل کنند و این کشور را به اردوگاه کشورهای ضد سوسیالیست بکشانند. روزنامه پراودا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی، نوشت که رفتار هیئت نمایندگی چین در گفت و گوهای هانوی اثبات می‌کند که زمامداران ماوولیتس بکن قصد دارند از این مذاکرات برای اعمال فشار برویتنام بهره‌گیرند.

از طرف دیگر دولت ویتنام سندی در باره جنایات جنگی چین در ویتنام انتشار داد. این سند از طاعون جدیدی سخن می‌گوید که جهان را تهدید می‌کند و آن «عظمت‌طلبی چینی» است.

یک وصلت نامیمون

رژیم «سوسیال دموکرات» آلمان فدرال دست‌اندرکار یک وصلت نامیمون با کابینه خانم تاجر است. هلموت اشمیت، صدر اعظم جمهوری فدرال آلمان، در سفر خود به لندن با نخست وزیر محافظه‌کار انگلیس گفت و گوهای رسمی به‌عمل می‌آورد.

به‌منته مقامات آلمان فدرال و انگلستان، انتظار می‌رود که اشمیت و تاجر مسائل متقابل دو کشور و همچنین مسائل دفاعی، سیاسی و تجاری اروپا را مورد بررسی و بحث قرار دهند.

تاجر در نخستین سخنرانی خود جای هیچ‌گونه ابهام و تردیدی در سیاست میلیتاریستی خود باقی نگذاشت و قول داد که انگلستان نقش کامل خود را در مواجهه با «خطر نظامی» در اروپا ایفا خواهد کرد. وی ضمن اشاره به‌وجود منافع مشترک انگلیس و آلمان فدرال، گفت: دو کشور در زمینه «موازنه نظامی» میان شرق و غرب منافع مشترکی دارند. تاجر سپس موکداً اعلام کرد: «دولت وی قطعاً تصمیم دارد که قدرت نیروهای مسلح انگلیس را افزایش دهد».

خواستار تشنج‌زدایی و صلح هستند

روزنامه پراودا نوشت: «اکثریت قریب به‌اتفاق امریکاییان با تشنج‌زدایی و انعقاد پیمان جدیدی سالت موافق هستند، لکن در بعضی از محافل منتقد می‌گویند تا امریکا را به راه‌های خطرناکی سوق دهند و مسابقه تسلیحاتی را تشدید کنند».

زیر فشار افکار عمومی جهان، که از فشار هزینه‌ها و هیجانات روحی ناشی از مسابقات تسلیحاتی به‌سوء آمده است، بیانیه مشترکی درباره ملاقات لئوید برژنف و جیمی کارتر به‌منظور امضای پیمان جدید محدودیت سلاح‌های استراتژیک تنظیم و آماده شد، که در یک زمان در مسکو و واشنگتن انتشار خواهد یافت.

رویتز در این مورد از واشنگتن گزارش داد که سران اتحاد شوروی و امریکا در ژوئن آینده برای امضای پیمان ۳ ساله در وین ملاقات خواهند کرد. رویتزر همچنین اعلام کرد که در این ملاقات، که برای نخستین بار میان برژنف و کارتر انجام می‌گیرد، علاوه بر امضای این پیمان، گفت و گوهای درباره مسائل جهانی و مشکلات موجود در روابط دو کشور به‌عمل خواهد آمد.

انقلاب حکم می‌کند که...

طلبان. ارتش ایران، قبل از انقلاب، ارتشی بود ضد ملی و ضد خلقی، ماشین اعمال قهری بود بر خلق زحمتکش و آزادخواهان و مأمور تحکیم سلطه رژیم دست نشانده پهلوی، سلطه امپریالیسم در ایران و نیز در منطقه.

دوباره سازی ارتش ضد ملی و ضد دموکراتیک، به‌یک ارتش ملی و دموکراتیک از مهم‌ترین وظایفی است که در برابر دولت جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

برای این دوباره‌سازی اقدامات همه‌جانبه‌ای ضرور است و مقدم بر همه تصفیه ارتش از عناصری که از سقوط رژیم دست‌نشانده پهلوی ناراضی‌اند، در صدد بازآفستن «گمشده» خویشند، در این راه فعالیت می‌کنند و گردهم می‌آیند، متشکل می‌شوند تا در فرصت مناسب چنگ‌اندازند.

تاکنون اقداماتی در جهت تصفیه ارتش انجام گرفته است. در این جهت نه‌فقط تعدادی از جنایتکاران ارتشی تیرباران شده‌اند، بلکه گروه نسبتاً بزرگی نیز از «امراء» آنها که از غربال سیا و ساواک گذشته در مقامات عالی‌رتبه ارتشی گمارده شده بودند - از کاربرکنار شده‌اند.

این‌ها اقداماتی بوده است لازم ولی ناکافی. تصفیه ارتش از عناصر ضدانقلابی - قطع نظر از درجه نظامی آن‌ها - باید ادامه

یابد. این کاری است که البته باید با دقت و ولی در عین حال با سرعت انجام داد به‌خطر تسهیل انجام آن باید گرایش‌ها، مترقی و دموکراتیکی را که خوشبختانه در ارتش نضح می‌گیرند، تقویت نمود. وزارت دفاع و ستاد ارتش می‌بایستی از یک کار تصفیه را هرچه قاطع‌تر دنبال کند و از سوی دیگر برای نمود گسترش تمایلات مترقی و دموکراتیک در ارتش با اقدامات مشخص بکوشند. بدون این هر دو اقدام دوباره‌سازی ارتش، دگرمان ساختن آن به‌یک ارتش ملی و دموکراتیک ممکن نیست.

ارتش سابق ارتشی بود ضد انقلابی، ارتش جدید باید ارتشی باشد انقلابی، به پشتیبان انقلاب ملی و دموکراتیک که با شکوه‌اندی در کشور ما پیروز شده‌اند. از این دیدگاه نیز باید اولاً ارتش از عناصر ضد انقلابی به‌کلی پاک شود و ثانياً ارتش سیاسی گردد، از قید اطاعت کورکورانه برای همیشه رها گردد، در آن اطل- آگاهانه و انضباط معنوی حکمروا ش خلاصه دموکراتیزه شود.

اگر روند دموکراتیزه کردن ارتش روندی است که خواه ناخواه زمان می‌طلبد، جریان تصفیه ارتش از عناصر ضد انقلابی باید در کمترین زمان، سرعت و با قاطعیت انجام گیرد، زیرا - تصفیه ارتش از عناصر ضدانقلابی - قطع نظر از درجه نظامی آن‌ها - باید ادامه

سرسازی دولت توجیه ندارد

افکار عمومی از مسیر صحیح کمک کرده است. ضد انقلاب با سوء استفاده از شیوه نام درست سرسازی دولت و سکوت او، نیروهای راستین انقلاب را متهم به شرکت در این گونه توطئه‌های ناجوانمردانه و ضد انقلابی می‌کند، برای فتنه انگیزان و شایعه سازان میدان باز می‌ماند تا از هر حادثه تعبیرهای گوناگون کنند و بهر ترتیب که مایلند و علیه هر گروه و سازمان سیاسی که به‌خواهند، شایعه‌سازی نمایند و در نتیجه اذهان عمومی را به بیراهه و کجراهه بکشانند.

از این بدتر تاسف‌بارتر آنست که برخی از مقامات مسئول، نه تنها از توضیح لازم برای روشن شدن افکار عمومی دریغ می‌کنند، بلکه با اظهار نظرهایی نادرست و بی‌موقع برای توجیه می‌افزایند. مثلاً در مورد ترور آیت‌الله مطهری، شخصیت مسئولی مانند نخست‌وزیر، قبل از پایان تحقیقات در باره شناسایی متهمان و صدور مدارک قطعی دادگاه صالحه، ترور را به مارکیست‌ها نسبت داده، که این فتوای ناحق موجب سوء استفاده‌های فراوان شد.

انتظار مردم از دولت آنست که بیشتر احساس مسئولیت کند، افکار عمومی را در همه موارد در جریان صحیح رویدادها قرار دهد، مردم را بیگانه از دولت نداند و میان خود و مردم دیوار نکشد. مردمی که با آن فداکاری بی‌مانند انقلاب ایران را به پیروزی رساندند، بیش از هر کسی حق دارند که به‌موقع از ماجراهای پشت پرده آگاه شوند و ضد انقلاب را تحت هر نام و در هر لباسی بشناسند و سرکوب کنند. نباید مردم را در بی‌خبری نگه‌داشت و به‌شیرازی انقلابی آنان لطمه زد. مردمی که بهار آزادی را از ارمان آوردند، بهترین پاسداران آنند.

تجاوزکارانه آن‌ها نایه بالا رفتن تنش جهانی است و آنچه این دار و دسته علیه ویتنام قهرمان انجام داده و می‌دهند نموداری است از ماهیت واقعی آن‌ها.

ملتی بلافاصله پس از جنگ دوم جهانی علیه سلطه امپریالیسم فرانسه به پا خاست. سال‌های متمادی فشار خردکننده جنگ را بردوش خود تحمل کرد، و آن‌گاه که فرانسه داشت به‌زانو درمی‌آمد، خود را با نیروهای مسلح امپریالیسم امریکا، که داعیه سرکردگی امپریالیسم جهانی را داشت و دارد، مواجه دید، سال‌های متمادی علیه این غول خونخوار دست و پنجه نرم کرد و با کمک همه‌جانبه تمام نیروهای صلح و مترقی و طرفداران آزادی خلق‌ها، و خاصه اتحاد جماهیر شوروی، بر آن‌چنان دشمن قوی‌پنجه فایق آمد و آنرا از سرزمین خود راند - علیه اینچنین مردم قهرمانی است که اینک سردمداران مائوئیسم دست به‌پفستنه و خرابکاری و تجاوز زده‌اند. پیروان ایرانی آن‌ها نیز در مقیاس ایران مأمور خرابکاری و تفرقه‌افکنی هستند، و راهی که برای آن‌ها باز است حمله‌ی ناجوانمردانه به‌حزب توده ایران است، منتها در لفافه اصطلاحات و شمارهای چهره‌روانه و چپ‌نویانه.

بنابراین حمله این گروه‌ها و دستجات به‌حزب توده ایران نیز یک امر غیر منظره نیست و حداقل سردمداران آن‌ها خوب می‌دانند که در خدمت چه نیروها و به‌سود چه نیروها عمل می‌کنند. بنابراین از این دو گروه چپ‌نما، که آشکارا دست در دست راست‌ترین جناح‌ها دارند، بگذریم و آن‌ها را به‌حال خود بگذاریم.

آنچه به‌واقع باعث تاسف عمیق ماست، نحوه عمل گروه‌های چپ‌گرا و آن‌هایی است که مارکیسم - لنینیسم را راهنمای خود می‌دانند و درازمدت به‌سوی بقیه در صفحه ۶

کدام نیروها علیه حزب توده ایران در تکاپو هستند و این روش‌ها در آخرین تحلیل به‌سود کیست؟

جمله حزب توده ایران، استفاده از تمام وسائل برای ایجاد یک جو ضد توده‌ای، تا آن‌جا که از طرف نیروهای راست و دشمنان واقعی خلق‌های ایران و انقلاب کبیر ایران انجام می‌یابد، موجب تعجب نیست. کینه و خشم آن‌ها علیه حزب توده ایران تا زکی ندارد. از محمدرضا، رئیس دژخیمان و سرسپرده امپریالیسم، که سلطنتش مخلوق سبیا بود و حیاتش در گرو پشتیبانی ساواک - موماد - سیا، تا بقایای آن رژیم فاسد و بر سرپا ارتجاعی، که بر حسب ماهیت ذاتی خویش خواه و ناخواه در کنار بقایای این رژیم قرار می‌گیرند، همه با اتفاق هم و با یک صدا علیه صادق‌ترین و خدمتگزارترین حزب نسبت به سازمان‌های مردم محروم، فریاد و فغان برمی‌آورند.

از این گروه‌ها و عناصر شناخته شده بگذریم، که از ست راست حزب ما رامورد حمله قرار می‌دهند. در کنار آن‌ها دو گروه دیگر نیز زیر شماره‌های «چپ» و با استفاده از اصطلاحات مارکیستی، از سمت «چپ» بسوی حزب ما آتش گشوده‌اند.

گروه نخست چپ‌نماها هستند: مائوئیست‌ها، تروتسکیست‌ها، آنارشیست‌ها. اینها (قطع نظر از افراد با حسن نیت، ولی شسته‌شده‌ای که اینجا و آنجا بینشان پیدا می‌شود) به‌طور عمد می‌دانند چه می‌کنند و آب در

آسیاب چه نیروها می‌ریزند. تروتسکیست‌ها از تروتسکی الهام می‌گیرند، کسی که حتی در سال ۱۹۳۷، هنگامی که فاشیسم دنیا را با جنگ جهانی تهدید می‌کرد و می‌بایست تمام نیروها علیه فاشیسم متمرکز شود، این یهودا با نوشتن رساله‌هایی از قبیل «اخلاق آن‌ها و اخلاق ما»، یک هدف را تعقیب می‌کرد: تفرقه افکنی از طریق ایراد اتهام به اتحاد شوروی، به‌عنوان این‌که: چرا باید شوروی با نیروهای دموکرات اروپا علیه فاشیسم متحد شود، و برانگیختن این نیروها علیه اتحاد شوروی، اتهام زدن به‌قیام انقلابی مردم اسپانیا و نظائر آن. او خوب می‌دانست چه می‌گوید و چه می‌کند و آب در آسیاب کدام نیروها می‌ریزد، همان‌طور که پیروان رنگارنگش امروز همان جغد تفرقه افکنی را به‌شوش استاد خود در جو دیگری و محیط دیگری تعقیب می‌کنند.

مائوئیسم و ماهیت آن بذهن نسل جوان ما نزدیکتر است. جانشینان مائو اینک به‌طور کاملاً روشن و آشکار دست در دست امپریالیست‌ها و سیاه‌ترین نیروهای ارتجاعی جهان به‌پیش می‌تازند. کار و وظیفه آن‌ها تفرقه‌افکنی بین نیروهای انقلابی در سراسر جهان است. آن‌ها علیه تمام نهضت‌های نجات‌بخش، در کنار نیروهای ضد انقلاب قرار می‌گیرند، با تمام قوا علیه صلح جهانی توطئه می‌کنند؛ روش‌های

حربه ضد انقلاب را در سوء استفاده از نارضائی بیکاران را خنثی کنیم

غارت‌گران فراری نیز تکمیل شود - نشانه ای است از روشی، که اگر قاطعانه انجام شود، هم پشتیبانی همه میهن‌پرستان را جلب خواهد کرد و هم سنگ بزرگ و عمده‌ای را از سر راه رفع مشکل بیکاری بر خواهد داشت.

پس کاری جدی و قاطع در پیش روی است، که البته کار یکی دو روز نیست، چرا که ریشه‌کن کردن بیکاری به‌عوامل بسیار عمیق اقتصادی و اجتماعی وابستگی دارد، در نتیجه نمی‌توان طرف مدتی کوتاه به‌حل کامل آن امید داشت. ولی آیا این واقعیت می‌تواند به‌معنای کوچک‌ترین تملی در امر توجه به‌رفع بیکاری و کمک به بیکاران باشد؟ نه! اولاً به‌خاطر زندگی خود این میلیون‌ها هم‌وطن زحمتکش ما! ثانیاً به‌خاطر سوء استفاده‌ایکه عوامل ضد انقلاب و سرسپرده امپریالیسم و صهیونیسم رژیم ساقط شده از آن می‌کنند این نکته دوم به‌هیچ وجه کم اهمیت نیست. کمیته مرکزی حزب توده ایران مدت‌ها است حجت و قلمیت آنرا در اعلامیه خون‌خاطر نشان ساخته و «مردم» نیز بارها اهمیت آنرا برای حفظ دستاوردهای انقلاب یادآوری کرده است.

ضد انقلاب در لباس‌های گوناگون عمل می‌کنند: از ترور و آدم‌کشی گرفته تا خرابکاری اقتصادی، از شایعه‌پراکنی و تفرقه افکنی گرفته تا برانگیختن نارضائی‌ها

آقای فروهر، وزیر کار، در آخرین مصاحبه خود خبر خوشی داد که عده بیکاران روبه‌کاهش است و حتی به‌کمتر از یک میلیون نفر رسیده. برای میلیون‌ها زحمتکشی که ماه‌ها است با گرسنگی و فقر دست‌به‌گریبانند و کار روزانه تنها راه تأمین درآمد و غذا و پوشاک برای خانواده‌های آن‌ها است، این خبر بسی مسرت‌بخش است. در چشمان آن یک میلیون نفر بیکار دیگر و چند میلیون نفر اعضای خانواده آن‌ها هم اکنون نور امید می‌درخشد که شاید آن‌ها هم هرچه زودتر به‌کار و نان برسند. البته در این‌جا، علاوه بر وام بیکاری و کمکی که داده می‌شود و برخی طرح‌ها و کارخانه‌ها که به‌راه افتاده و کاری را تأمین کرده، ضرور است که دولت هرچه قاطع‌تر و در ضمن سریع‌تر برنامه جدی توسعه اقتصادی سالم و همه‌جانبه کشور را تدوین کند و به‌مورد اجرا گذارد، زیرا که جز از این راه نمی‌توان کارمطمئن و دائم برای کارگران کشور و برای جوانانی که مرتباً وارد بازار کار می‌شوند، تأمین کرد.

و عده‌ای که آقای فروهر در زمینه ملی کردن مومسات مختلف و کوتاه کردن دست پهلوی‌ها و غارت‌گران وابسته به‌این سلسله ننگ و طاغوتیان معدوم داد، به‌این امیدواریم با گذشتن این تدبیر صحیح در مورد سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم



با انحصارهای خارجی و سرمایه‌داران وابسته نمی‌توان مماشات کرد

ملی کردن این سرمایه‌ها یک ضرورت انقلابی است

تسلط انحصارهای دول امپریالیستی بر تمام رشته‌های فعالیت اقتصادی کشور، یکی از پی‌آمدهای ناگزیر سیاست خائنه و ایران‌پرستانه رژیم منقر پهلوی بود. در آستانه انقلاب بزرگ مردم قهرمان ایران، انحصارهای امریکائی به‌تئاهی حدود ۵۰۰۰ نمایندگی در ایران دایر کرده بودند و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم آنان به ۷۰۰۰ میلیون دلار بالغ می‌شد. رژیم دست‌نشانده پهلوی با امریکا بیش از هزار قرارداد اسارت آور منعقد کرده و از این راه تسلط خونخوارترین امپریالیسم جهانی را بر تمام تار و پود زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور فراهم آورده بود.

تسلط این انحصارها بر اقتصاد کشور، به‌طور عمده، از راه سرمایه‌گذاری‌های مستقل و یا مختلط با سرمایه‌های دولتی

تأیید کمیته‌های امام و پاکسازی آن‌ها، به‌سود انقلاب است

کمیته‌های امام مولود انقلاب‌اند. تولد آن‌ها ضرورت ناگزیر شرایط و اوضاع و احوالی است که ارتش به‌دست‌توانای خلق از پای درآمد، نیروهای شهربانی و ژاندارمری، که در شرایط عادی وظیفه حفظ نظم شهرها و روستاها را دارند، به علت تابعیت ضد خلقی‌شان، زیر ضربات درهم‌کوبنده انقلاب از هم پاشیدند، دولت با هزاران کلاف سردرگم دشواری‌ها، که ناشی از شرایط پیرایز انقلاب است، روبرو بود و اکنون نیز هست. در چنین برهه‌های از زمان، کمیته‌های امام، به‌عنوان بازوهای انقلاب، برای سرکوب ضدانقلاب‌پاسداری از دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران وارد عمل شدند. هیچ عنصر انقلابی و میهن‌پرستی نمی‌تواند خدمات کمیته‌ها را در کمک به پیشبرد اهداف انقلاب انکار کند. این کمیته‌ها پاسداران امنیت کشور در برابر توطئه‌ها، خرابکاری‌ها و واژگون‌سازی‌های ضدانقلاب‌اند. این کمیته‌ها چشمان تیزبین امام خمینی، رهبر انقلاب، در کشف و سرکوب فعالیت‌های شوم ضد انقلاب‌اند، این کمیته‌ها در شرایط کنونی در رفع مشکلات منطقه خود، یاری‌رساندن به‌مردم و رفع اجحاف و تعدی از مردم نقش موثری ایفا می‌کنند. اعضای صدیق بقیه در صفحه ۷

با اقدامات قاطع انقلابی باید بی‌درنگ به

فعالیت ضدانقلابی عمال ساواک پایان داد!

رژیم امریمین پهلوی توانسته بود فرومایه ترین، تبهکارترین و منحط‌ترین عناصر خود فروخته را به‌کار در سازمان جهمی ساواک بگمارد. در سراسر تاریخ جامعه میهن ما هیچ سازمانی را نمی‌توان سراغ کرد که در دهنش و درنده‌خویش، در سفاکی و آدم‌کشی به‌پای ساواک برسد. تا استاد و مدارک مربوط به جنایات مخوف ساواک در دسترس افکار عمومی قرار نگیرد، مردم ایران و خلق‌های جهان نمی‌توانند، چنان که باید و شاید، تصور کاملی در باره